

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - شاخه کردستان  
ایران  
Iranische Bibliothek in Hannover  
بهار ۵۰ ریال

خبره جدید سال سوم - شماره ۲۷  
اسفند ۱۳۶۳

## سرمتالیه

### مذاکره بدون قید و شرط ضرورت قطع درگیریهای حزب و کومه له

در هفته های آخر اسفندماه ،  
درگیری های حزب دمکرات و  
وکومه له یکبار دیگر شدت گرفت  
و در منطقه بانه به يك جنگ  
تمام عیار بین پیشرگان دو  
طرف مندل گردید. این  
درگیری که منجر به شهادت دهها  
نفر از پیشرگان دو طرف  
گردید، یکبار دیگر آشکار ساخت  
که بحران موجود در روابط حزب  
دمکرات و کومه له بدون برخورد  
مستولانه با اختلافات دو نیرو  
از سوی حزب دمکرات و کومه له ،  
روز به روز تشدید گردیده و منجر  
در صفحه ۲

## بهار کارگران و زحمتکشان خجسته باد

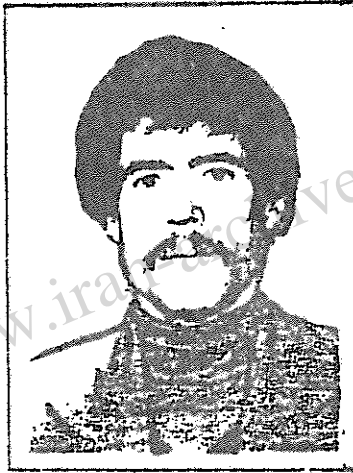
در صفحه ۳

### شهرت جنابانی پیشرگان فدائیی در منطقه سنندج

• طی این شهرت جنابانی پیشرگان فدائی در

## ★ احمد محمدی و ★ محمد رضوی

فرمانان جان باختند!



فدائی شهید رفیق احمد محمدی  
در صفحه ۵

### در دیگر صفحات

\* به مقابله  
یکه دو چهاردهمین سالگرد

## کمون

\* اخباری از  
جنبش مقاومت  
توده های

## بمباران گسترده شهرهای ایران و عراق جلوه ای از ماهیت ارتجاعی جنگ و بن بست آن!

از کارگران و زحمتکشان هر دو  
کشور را در کام خود فرو بامید  
و بخش اعظم اهالی حتمی  
دور افتاده ترین شهرها را نیز  
در صفحه ۲

جنگ ایران و عراق در يك  
ماه اخیر وارد مرحله جدیدی  
گشت. ابعاد جنایات این جنگ  
از جبهه های رسمی جنگ بسیار  
فراتر رفت و در بمباران شهرهای  
دو کشور ، زندگی تعداد کثیری

## روز هفتگی جهانی زن

گزارش

# مذاکره

از صفحه ۱۱

به درگیری‌های بزرگ تری در میان سراسری کردستان خواهد گردید. و از حد این یا آن منطقه فراتر خواهد رفت و ابعاد گسترده تری به خود خواهد گرفت.

تصدیدی در این واقعیت وجود ندارد که درگیری‌های حزب دمکرات و کومه له که امروز مستقماً در جهت فرمایش توان وائزین جنبش انقلابی خلقی کرد عمل می‌نمایند و عملاً در خدمت اهداف خود انقلاب قرار دارند، با گذشت زمان ابعاد فاجعه بار خود را بیش از پیش آشکار ساخته و چهره صابون قهرمانانه خلقی کرد در طول شی سال گذشته را هر چه بیشتر خندوش می‌سازند. و اصول و دستاوردهای دمکراتیک و انقلابی آن را هر روز بیشتر از روز پیش زیر پا گذارده، پیمان می‌کنند.

بهر صورت حوادث و شتاب نروزی این درگیری‌ها آشکار می‌سازد که جنبش انقلابی خلقی کرد می‌باید منتظر درگیری‌های به مراتب خونین تر از درگیری پانسه در آینده باشد و هم‌اینکه به جرات می‌توان گفت هیچگونه تضمینی برای مهار صبر حوادث وجود ندارد، بلکه عملاً و نظراً زمینه درگیری‌های گسترده تر در جریان همین درگیری اخیر از سوی طرفین درگیر یعنی حزب دمکرات و کومه له، کاملاً فراهم گردیده است. و درگیری پانسه در حقیقت در فقدان یک برخورد اصولی از سوی طرفین، طعمه ای است برای درگیری‌های خونین تر آینده.

امروز دیگر هر هیچ کسی و هیچ نیروی انقلابی پوشیده نیست که هر چه سریع تر باید به وضعیت کنونی و درگیری‌های حزب دمکرات و کومه له پایان داده شود و برخورد‌های سیاسی جایگزین هر گونه تهدیدهای نظامی و فتوحات ضخم‌مانه این یا آن نیرو در

حیطه به بینمردگان طرف مقابل گذرد. این ضرورت از ضایع جنبش و چشم اندازهای واقعی رشد و ارتقاء آن ناشی می‌گردد، نه از ضایع این یا آن نیروی سیاسی، ضرورتی که باید پاسخ صریح و روشن به آن داده شود. باید از هرگونه تلاش ضرور و هرگام عطفی در زمینه پایان دادن به این درگیری‌ها استقبال نمود، و به عنوان یک وظیفه انقلابی و تخطی ناپذیر برای کلیه نیروهای انقلابی به آن نگریمت. وظیفه ای که می‌باید در جریان برخورد عطفی و مشخص با واقعیت این درگیری‌ها و ارائه راه حل مشخص و حرکت در جهت تحقق بخشیدن به این هدف تجلی یابد. هر نیروی انقلابی که جنبش وظیفه ای را در مقابل این درگیری‌ها و ضرورت پایان بخشیدن به آنها بر روش خود احسان می‌کند باید از پیرداختن به هرگونه بهرنامه غیر ضروری و برخورد‌های غیر صریح و غیر ضرور خودداری نموده، و به هیچ قیسی بر واقعیت این درگیری‌ها پسرده سانس نینفکند. بدون تصدیق هیچ کس نمی‌تواند فکر واقعیت‌های موجود سیاست‌های دو نیروی درگیر یعنی حزب دمکرات و کومه له گردد. سیاست‌هایی که حزب و کومه له در واقع امر دو روی یک سکه است و همین سیاست‌ها نیز هستند که در روند خود به درگیری‌های حاضر صوفی داده شده اند. همانطور که هیچ کس نمی‌تواند اختلافات موجود بین این دو نیرو یا هر کدام از آنها یا هر نیروی دیگری را نیز نادیده انگارد. ولی هیچکدام از این واقعیت‌ها نمی‌تواند مستحکمی برای توجیه این یا آن حرکت مشخص هر کدام از دو نیرو در تداوم این درگیری‌ها قرار گیرد و یا عملاً به پوشش و توجیهی برای خندوش نمودن اصل قضیه تبدیل گردد، که همانا قطع فوری این درگیری‌ها و حرکت در جهت یافتن یک راه حل سیاسی برای اختلافات فیابین دو نیرو می‌باشد.

ضرورت عاجل کنونی، قطع فوری این درگیری‌ها، برقراری آتشبس و اعلام آمادگی بسرای

مذاکره بین دو نیروی درگیر یعنی حزب دمکرات و کومه له است. و هر نیروی با هر دست‌آویزی که بخواهد از این ضرورت طفره ببرد، عملاً مسئول تمامی ناسامانی‌های ناشی از ادامه خونین و زیانبار درگیری‌های کنونی است و از سوی کلیه نیروهای انقلابی باید تحت شدیدترین برخوردها و فشارهای سیاسی قرار گیرد. هر نیروی که در حال جنبش انقلابی نه تنها خلق کرده بلکه جنبش انقلابی کارگران و زحمتکشان سراسر ایران احسان مسئولیت می‌کند، وظیفه دارد که با سیاست‌های غیر اصولی‌ای که عملاً تداوم این درگیری‌ها را میسر می‌سازد، برخورد جدی و مسئولانه نماید.

از همین نقطه نظر نیز هست که سیاست‌های حزب دمکرات در برخورد به عواقب درگیری‌های کنونی یکی از عوامل مهم تداوم این درگیری‌هاست. حزب دمکرات در شرایطی که کومه له از مدت‌ها پیش مطرح ساخته است که آماده است مسائل خود با حزب دمکرات را از طریق سیاسی و بر بنیان توافق‌های فیابین حل نماید، در طول این مدت علاوه بر آن که حاضر به هیچگونه مذاکره ای نشده است، اخیراً نیز با اعلام پیش شرط‌هایی برای مذاکره با کومه له، عملاً آشکار ساخته است که حاضر به آتشبس و پایان دادن به این درگیری‌ها نیست.

حزب دمکرات با درخواست برگردن نقطه نظرات و تحلیل‌های سازمانی یک نیروی معین سیاسی بعنوان پیش شرط مذاکره خود با کومه له به جای ارائه راه حل، هرگونه راه حلی را با بن بست مواجه ساخته است. مهم نیست که شرط حزب دمکرات چه باشد و از کدام نیروی سیاسی آنرا بخواهد، چرا که در واقعیت امر، این گونه شرط و شروطها نقض هرگونه حق دمکراتیک برای بیان عقاید و آزادی تبلیغات سیاسی است. ما در اینجا کاری به تحلیل‌های کومه له از حزب دمکرات یا تقابلاً تحلیل‌های حزب دمکرات از کومه له نداریم. بررسی این مسائل جایگاه خود را دارد، و حل چنین اختلافاتی نیز

## هر چه گسترده تر باد اتحاد عمل نیروهای مترقی و انقلابی



# بهار کارگران و زحمتکشانشان

از صفحه ۱

بهار واقعی خلق کوردستانی فرا خواهد رسید که رهائی از قید و بند ستم ملی و بطنی از نظامات قرون وسطائی تحقق یافته و کارگران و زحمتکشانشان خلق کرد به سرنویشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود و تعیین راه و صیرر آینده حرکت اجتماعی خود دست یافته باشند. امری که ضمن اصلی مبارزه انقلابی - دگرگونی خلقی کارگران و زحمتکشانشان خلق کرد را تشکیل میدهد. هم از این رو نیز خلق کرد هر سال با انتیپاکی به استقبال سال نوی شتابد و بهار نسرا یا ایطان به رهائی خویش به آرزو ها و امال خود پیوندد می زند. برای خلق کرد بهار اصالت نیز همچون بهاران گذشته، آغازی نو برای مقابله با تمامی دشواری های مبارزه گونمی است. سال نر سلما می باید با آموزش از تحویات گذشته، آغازی نو برای پیشبرد هر چه قدرتمند مبارزه انقلابی خلق کرد در تمامی ابعاد آن باشد. عالی که بدین تردید با توجه به اتمتات گونمی مبارزه خلق کرد، سال تحولات اساسی در درون آن خواهد بود.

با آغاز سال نو جنبش انقلابی خلق کرد، یک سال دیگر از مبارزه و تلاش همه جانبه ای را در تمامی عرصه ها پشت سر می گذارد. یک سال مبارزه علیه سیاستهای ارتجاعی رژیم در تمامی زمینه ها، یک سال مقابله قهرمانانه با یورش های متعدد رژیم، یک سال حملات پی در پی و گسترده بر تمامی ارگان نیروهای سرکوش رژیم در کوردستان.

در طول یک سال گذشته علیرغم محدودیت مناطق آزاد

اسلامی در نوروز سال ۵۸ در حالی که هنوز اندکی پیش از یک ماه از حاکمیتش نمی گذشت حمله به کوردستان قهرمان را آغاز کرد و جنگ خونین سندیج را به توده های زحمتکش خلق کرد تحصیل نمود. همانطور که بلافاصله و در جریان تلاش برای پایان دادن به جنگ خونین سندیج حمله به ترکمن صحرا و شوراهای دهقانان زحمتکش خلق ترکمن را نیز آغاز کرد و از آن روزها تا کنون در طی چند سال حکومت ارتجاعی خود، جنبش خلق عرب و جنبش خلق ترکمن را کاملاً به خون کشیده است و تنها در کوردستان انقلابی است که با نتیجه به سمت های مبارزاتی و تجربه عظمی این جنبش عظیم بود. ای توانسته است به اهداف، روگورانه خود دست یابد.

به همین دلیل، نیز نوروز هر سال، یاد آور نعمتین نوروز خونین خلق کرد و نیروزهای خونین تر بعد از آن بویژه نوروز ۵۸ است، که در طی ماههای بعد از آن بسیاری از شهرهای کوردستان با همها نزد بهاران و کشتار مزدوران رژیم قسار داشتند و هزاران نفر از اهالی آنها به شهادت رسیدند، اما تا زمانی که نیروهای انقلابی خلق کرد تصمیم به ترک شهرها نگرفتند، همچنان در شهرها باقی ماندند و بیکارچه در مقابل رژیم ایستادگی نمودند. عزی که تجلی آن در آزادپور جنبش انقلابی خلق کرد و در قدرت درونی آن متبلور گشته است و تداوم و تحرك روز افزون جنبش انقلابی خلق کرد بدین تردید، حصول این مقاومت ها و مقابله های خونین با سرکوشگران خلق کرد بوده است.

با فرا رسیدن بهار، یکبار دیگر زندگی در رنگ و بوی خاک، جوانه می زند. رشد می کند، بارور می شود و سربر خاک می نماید و تقویم مکرر تاریخ طبیعت با دگرگونی شگفت خویش با چهره بشاش بهار به صحنه می آید و مسیر همگامی خود را با تنهات بدیسع خود پشت سر می گذارد.

بهار در کوردستان انقلابی نیز همچون همه جای صحن فقر زده و خونین، یکبار دیگر جلوه نهی بر زندگی می بخشد. و یکبار دیگر همچون شش سال خونین گذشته فعل جدیدی را باز می گشاید، فصل جدیدی از کار و تلاش زحمتکشانشان خلق کرد بهمنان بخشی از زندگی آنها - و تنها آن بخشی از زندگی آنها که به مبارز نیروهای طبیعت برای تهیه مایحتاج اولیه زندگی آنها مربوط می شود. اما آنچه که مفهوم و معنای زندگی کارگران و زحمتکشانشان خلق کرد را تشکیل میدهد، مبارزه آنها علیه طبیعت نیست. بلکه مبارزه بی اتان آنها در عرصه مناسبات اجتماعی حاکم و برای تنبیر آن و ایجاد جامعه ای دگرگون و انقلابی است که در طول پیش از پنج سال گذشته و در سخت ترین شرایط و در نبردهای عظیم این خلق قهرمان و در مقابله با یکی از دردمندترین رژیم های تاریخ با قدرت و صلابت آهنین خود به پیش برده شده است.

خلق کرد همچون دیگر خلقهای تحت ستم ایران در طول تمامی دوران حیات رژیم جمهوری اسلامی از همان روزهای نخست به قدرت رسیدن اسپین رژیم مورد پرورش و تعمیدی آن بوده و هست. رژیم جمهوری -

# بهار

پیشمرگان خلق کرد علاوه بر مطالبه با پوش‌های همبانه رژیم جنگ پارتیزانی گسترده‌ای را در سراسر کردستان سازمان داده و به پیش برده اند، جنگی که حتی خود جلادان رژیم را نیز به پذیرش شکست تلاش‌های خود وادار کرده است. در طول یک سال گذشته پیشمرگان خلق کرد بی وقفه به مبارزه نظامی رژیم در تمامی خاک کردستان حمله کرده و هر گونه آمایشی را از مزدوران رژیم در کلیه پایگاه‌های آن سلب نموده اند. این حملات قهرمانانه که پایگاه‌های مستقر در قلب شهرها تا اقصی نقاط دور افتاده کردستان را در بر گرفته است از گستردگی شگرفی در یک سال گذشته برخوردار بوده است و یکی از نقاط قوت اساسی جنبش انقلابی خلق کرد در سازماندهی و به کارگیری تأثیرات‌های پیچیده جنگی منسوب میگردد. در حقیقت سال ۶۳ سال تحریک روز افزون پیشمرگان مسلح خلق کرد بود که پایگاه‌های رژیم را به زندان‌های سیاهی بسزای مزدوران آن بدل ساخته است. مالی که غرض بی وقفه سلسله‌های پیشمرگان فرهاد خلق کرد را در سراسر کردستان بر سینه مزدوران رژیم جمهوری اسلامی حمله نموده است.

پیشمرگان قهرمان خلق کرد تنها در طول ۹ ماه گذشته بیش از ۱۵۴۴ مورد عطیات داشتند که این مجموعه شامل حملات پیشمرگان به پایگاه‌های رژیم، مطالبه با پوش‌های نظامی رژیم، خلع سلاح پایگاه‌ها و غیره می‌شود که در طی آنها بیش از ۲۶۵۸ نفر از مزدوران رژیم به هلاکت رسیده و با زخمی شده اند، ۵۴۸ نفر از مزدوران رژیم به اسارت درآمده اند. در طول این عطیاتها بیش از ۱۴۲۵ قرضه سلاح انفرادی و ۱۱۴ قرضه سلاح سنگین و نیمه سنگین و بیش از ۲۲۵۰۰ عدد فشنگ به غنیمت گرفته شده است.

علاوه بر ارتقا فوق تعداد زیادی ابزار و ادوات جنگی و سلاح‌ها و صدمات و بی‌حی و انبساط تاریک به دست پیشمرگان افتاده است.

البته باید این واقعیت را نیز در مورد آثار فوق در نظر گرفت که درگیرهای اخیر حزب دمکرات و گویا در ماه‌های گذشته پیوسته در سه ماه اخیر تسلیحات بسیار زیادی و بویژه در ماه گذشته پیروزی حرکت پیشمرگان گذاشته و به مقصدار قابل ملاحظه‌ای از تحریک واقعی آنها گامه است. با این همه تعداد عملیات گسترده‌ای آنها و وسعت ضربات وارده بر مزدوران رژیم در کردستان مورد واقعیت قدرت درونی این جنبش و به همین لحاظ نیز برخورد مسئولانه با هدایت هدفمند و سازمان یافته آن در سال آتی است.

جنبش انقلابی خلق کورد علاوه بر مطالبه صلحانه در برابر یورش‌های رژیم و حمله به پایگاه‌های رژیم و پیشبرد امر مبارزه صلحانه بسوی احقاق حقوق حقه خود از ویژگی خاص برخوردار است که آن هم ایستاد توده‌ای و گسترده آن است که بدون تردید مبارزه صلحانه نیز بر زمینه وجود چنین روحیه‌ای در درون توده‌ها هر روز از قدرتمندی و تحریک روز افزون تری برخوردار می‌گردد. رژیم جمهوری اسلامی نیز در طول شش سال گذشته تمامی قدرت و ساز و برگ خود را به کمال برده است که بر این نقطه قوت جنبش انقلابی - دمکراتیک خلق کرد خنثی وارد سازد. وجود روحیه انقلابی در میان وسیع‌ترین بخش توده‌های زحمتکش کردستان و مبارزه بی دریغ آنها در راه کسب حق تعیین سرنوشت خود و حطیت بی دریغ آنها از پیشمرگان خلق کرد، همه آن چیزی که مورد دشمنی سبانه رژیم جمهوری اسلامی در طول شش سال گذشته بوده و هست و هدف تمامی سیاست‌های ارتجاعی رژیم از قبیل بمباران مناطق مسکنی شهرها و روستاها، سرپازگیری اجباری، تسلیم اجباری، کوچ اجباری و کشتار اهالی بی-دفاع و زحمتکش شهرها

و روستاهای کردستان، محاصره اقتصادی و دهها سیاست دیگر رژیم را تشکیل می‌دهد. ولی همانطور که واقعیت مبارزه کنونی در طول شش سال گذشته پیوسته در یک سال گذشته آشکار ساخته است، رژیم جمهوری اسلامی با تمامی تجهیزات نظامی و مالی و انسانی خود هرگز نتوانسته است و نخواهد توانست به اهداف خود در کردستان انقلابی دست یابد. خنثی در اراده استوار خنثی تیرد وارد آورد. خلق قهرمان کرد همانطور که تا کنون تاسو سیاست‌های ارتجاعی رژیم را به ضد خود تبدیل ساخته و تلاش‌های رژیم را در تمامی زمینه‌ها با شکست قطعی مواجه ساخته است. صلحا در یک سال آتی نیز با اتحاد درونی خود و به مبارزه بی امان علیه تمامی سیاست‌های رژیم در کشور جمهوری اسلام به پیروزی‌های جدیدی نائل خواهند گردید و مهر خود را بر تمامی تحولات آینده خواهد کوبید. جنبش انقلابی خلق کرد امروز ا قدرت و پتانسیل درونی بسیار بالایی برخوردار گشته است. سرزهای نوینی را پیشروی خوا گشوده است و به یک مرحله جدیدی پای گذارده است که ضرورتا برخورد صمیمی و آگاهانه به آن را اجتناب ناپذیر ساخته و امر سازماندهی خرج قدرتمند و هدفمند آنها در دستور روز قرار داده است.

اما سال سال نو در شرایطی آغاز می‌گردد که جنبش انقلابی خلق کرد، علیرغم تمامی دستاوردهائی که در زمینه‌های مختلف داشته است در وضعیت درونی خود با توجه به درگیری‌های خونین و مکرر حزب دمکرات و گویا، شاهد یک جنبش جدال درونی و ضربات گاری بی‌پیکر خویش است. این درگیری که موجبات ضعف جنبش را فراهم می‌نماید و عشا ضرر و زیان - های زیادی بر آن محسوب می‌گردد، در عین صورت نفوذ و آنزجار توده‌های خلق کورد بوده، و عطا بر خلاف مسیر رو به رشد جنبش انقلابی خلق کرد، حرکت می‌کنند. درگیری‌ها حزب دمکرات و گویا که در دست نهاد مقابل ضرورت‌های درونی جنبش در صحنه

## پیروزان مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلق‌های ایران

# بیدارباشی بیشمرگان فدائی در منطقه مبارز

همانطور که گفته شد در این درگیری نابرابر دو نفر از رفقای ارزنده ما یعنی رفیق احمد مصدق و کادر تشکیل دهنده و پرتلاش شاخه کردستان که برای انجام مأموریت تشکیلی به اطراف شهر رفته بودند نیز رفیق محمد رضوی (کاک وریا) بیشمرگ دایم سازمان به شهادت رسیدند که در همین شماره به شرح کوتاهی از زندگی مبارزاتی این قهرمانان راه رهایی کارگران و زحمتکشان و مبارزین آشنی ناپدید راه دگرایی و حقیقتیسم یادداشت می‌ورزیم.

طبق اخبار رسیده در اواخر بهمن ماه گذشته طی درگیری نابرابر خونینی بین دسته‌ای از بیشمرگان فدائی با مزدوران رژیم جمهوری اسلامی دو نفر از رفقای ما به شهادت رسیده‌اند. این درگیری که در روستای علی آباد و کنتی در حوالی شهر قزوین در ۷ ساعت ادامه داشته است و طی آن تعدادی از مزدوران رژیم نیز به هلاکت رسیده‌اند، که در شماره آینده رنگی گل ما مشرح این عطیات قهرمانانه بیشمرگان صلحشور فدائی را درج خواهیم کرد.

## ☆ فدائی شهید رفیق احمد محمدی

شهادت رفیق احمد محمدی کونیست بیکر و پرتلاش فرزنده دایم و پاکباخته کارگران و زحمتکشان خلق کرد، شاخه کردستان را با ضایعه‌ای جبران ناپذیر رو برو ساخت. به شهادت رفیق احمد تشکیلات ما یکی از پر شورترین و ارزنده ترین کادریهای خود را در راه رهایی کارگران و زحمتکشان از دست داد. رفیق احمد به شهادت خود تمام اراده آهنین و ایمان خلل ناپذیر فدائیان خلق در تحقق بخشیدن به اهداف پرولتاریا بود. او از هیچگونه ایثار و از خود گذشتگی در راه آرمان‌های سازمانش دریغ نداشت، از هیچ خطری بی‌گناه نداشت، و تمامی لحظه‌های پر شکوه زندگی او را تحقیق تمامی مشکلات و مخاطرات یک مبارزه بی‌امان علیهستم و استثمار و محو ضایعات اجتماعی جتنی بر بردگی انسان تشکیل می‌داد. رفیق احمد در تمامی دوران فعالیتی که در هنگامی که در تشکیلات شهر به فعالیت‌های فکری اشتغال داشت و چه در دورانی که به دلیل شناخته شدن از سوی پلیس مجبور به ترک شهر و فعالیت در صفوف بیشمرگان فدائی خلق گردید و در مسئولیت‌ها و مأموریت‌های تشکیلاتی خاص دیگر، هرگز از استقبال خطرات موجود در مأموریت‌های تشکیلاتی خود، تردیدی روا نداشت و به جرأت بتوان گفت تمامی لحظات زندگی او را استقبال بی‌شائبه و ضرورانه از چنین خطرانیسی

تشکیل می‌داد. ایمان به پیروزی قطعی در وجود او به عزم و اراده‌ای شکست ناپذیر مبدل گشته بود. او تجسم شور زندگی زمین و نیلشور نظم بود که خود از پیشتازان مبارزه در راه استقامت بود.

رفیق احمد که بیشترین مأموریت‌های تشکیلاتی اش را در پشت جبهه‌های دشمن تا کسوف با موفقیت به انجام رسانده بود طی آخرین مأموریت خود در اطراف شهر قزوین به همراه دسته‌ای از بیشمرگان فدائی با مزدوران رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی درگیر شد و قلب بزرگ و پرشور او با گلوله‌های دشمنان کارگران و زحمتکشان قرار گرفت، او پیش باز ایستاد و خون گرمش سرزمین کردستان را گلگون ساخت.

رفیق احمد با خلاقیت و ایمان خلل ناپذیرش به تحقیق آرمان پرولتاریا و تلاش در جهت تحقق بخشیدن به آن و تلاش بیکر خود صبر رشد و ارتقا، طبیعتی را در پیچاری خود بازگشوده بود، او نه تنها در دوران زندگی سازمانش بلکه در تمامی طول حیات خود، در مبارزه با مشکلات جامعه محیط پیرامون خود آبدیده گفته بود. شخصیت او همچون تمامی کارگران قبل از همه معمول احتیاج ناپذیر مبارزه علیه فقر استثمار در جامعه سرمایه‌داری بخیران یک واقعیت همیشه حاضر زندگی خود، می‌بود این واقعیت با عنصر آگاهی کونیستی بود. امری که در روند زندگی مبارزاتی رفیق احمد او را از برجستگی‌های خاص برخوردار ساخته بود.

رفیق احمد زندگی پر در و توجه را پشت سر گذاشته بود

تا به آگاهی سوسیالیستی دست یابد. او در تکاپوی همیشگی زندگی خود به آرمان پرولتاریا ایمان آورده بود. و این واقعیت تاثیر خود را در تمامی برخوردهای او برجای می‌گذاشت.

رفیق احمد که سال ۱۳۳۶ در شهر قزوین متولد شد از همان اوان کودکی زندگی خود را با رنج و زحمت آغاز کرد. بهرورش کارگر و مادرش زحمتکش پرکار و پرتلاش بود. او نیز برای جبران هزینه خانواده اش بزرگی و از همان سنین کودکی اجباراً به کارگری پرداخت و از نزدیک فقر و گرسنگی را شناخت و از همینجا بود که کینه و نفرت او نسبت به دشمنان طبقاتی کارگران و زحمتکشان سر منشأ آگاهی و آزادی اش گشت و توان او را در برخورد با مشکلات افزایش داد. صفت اندیشه او را برای ریشه‌یابی سائل و فائق آمدن بر آنها ارتقا بخشید.

چنان که خود او در یادداشتی نوشته است: "توده‌ها وقتی که فقر را لمس می‌کنند، وقتی که علت این فقر و راه ناپذیری آنها بیابند به مبارزه برای دگرگونی این وضعیت روی می‌آورند"

رفیق احمد خود نمونه پیشتاز همین توده‌ها بود، نقطه عزیمت اصلی او در طول تمام زندگی مبارزاتی اش همیشه و در همه حال کینه عمیق طبقاتی او نسبت به حاکمان نظام موجود بود. که او را به دگرگونی وضعیت فلاکت‌بار کونیستی می‌گفت. رفیق احمد در اولین فصل‌های جوانی پدر و چندی بعد مادرش را از دست داد. و از این پس با مسئولیتی بیشتر

### ★ فدائی شهید رفیق محمد رضوی



رفیق محمد رضوی (کاه وریا) پیشمرگه فدائی، فرزند راستین زحمتکشان کردستان در سال ۱۳۴۸ در روستای شرف از توابع شهر سنقر دیده به جهان گشود. او نیز مانند همه فرزندان زحمتکشان کردستان بدلیل فقر و تنگدستی خانواده آثار از او کودکی با فقر و سختی دست به گریبان بود. چهار سال پیشتر در سن نهمین سالگی به دلیل محدودیت مالی خانواده اش و فقدان معلم در روستا از تحصیل محروم ماند و اولین رجه با آخرین درجه و روزنه اخذ هایش بسته شد. از آن پس بود که وریا بناچار برای جبران کمبودهای خانواده اثر در همان روستای زادگاهش بکار پرداخت و خیریه‌های نوده ای ۵۷ و سرانجام تمام پس صاف با

دوران نوجوانی وریا بود. اکثر چه او از سن کمی برخوردار بود، لیکن بدلیل آهیدگی اثر در کوره رنج و کسرت و زحمت بسزوی از حنجره شایر گشت و به راه انقلاب رهنمون شد و در دوران جنبش خلق کرد پس از قیام با کسب آگاهی و ارتقاء انگیزه های انقلابی اثر به یک مبلغ کوشا در میان دهقانان زحمتکش کردستان تبدیل شد و با زبانی ساده و گشای به تبلیغ اعتدالی جنبش پرداخت.

رفیق با روحیه ای بالا و شوروی انقلابی در سال ۶۰ بمشرف پیشمرگان انقلابی خلق کرد پیوست و تصمیم گرفت تا در میان پیشمرگان کومه که در عرصه ای بسیار و حر فضا دیگر به صابزه علیه نظم موجود بپردازد. اما بدلیل سن کم او را برای ادامه فعالیتها بجز شهر فرستادند. اینبار نیز وریا طبقه انقلابی خود را ادا کرد و در شهر برای کمینه به جنبش انقلابی با سعی و تلاش در صفحه ۱۲

### ★ فدائی شهید رفیق احمد محمدی

دیکتاتوری شاه با سرور و اشتیاق وافر انقلابی به همراه چندین تن از دوستانش ارتش را رهسار و به مشرف حنیف توده ای پیوست و از همان زمان تا لحظه شهادت یکدم و یک نفس از فعالیت باز نایستاد و خستگی ناپذیر و بیگیر، طبقه دشمنان طبقاتی توده ها بمبارزه برخاست.

رفیق احمد در بحیثه قیام با شرکت در خلق سلاح پارگانها برای سرنگونی رژیم شاه در مقاومت سنج علیه توطئه ارتش و بیان جمهوری اسلامی و در تشکیل نهادهای انقلابی و مبارزه مخفی در شهرها و در مشرف بر افتخار سازمان ما همواره در سطر مقدم مبارزه بود.

احمد یکی از پرکارترین رفقای تشکیلات بود، او همواره با از خود گذشتگی، صداقت و دقت کمونیستی به مسائل و مسئولیتهاش برخورد می نمود و برای پیشبرد امر تشکیلات از خود فداکارانه ما به همه می گذاشت. او رفیق بی پیرایه و دقیق بود.

احمد با خصوصیات برجسته

عصن تحصیل به کارگری نیز پرداخت. تا موفق به پایان دوره متوسطه تحصیل و اخذ مدرک دیپلم فنی گردید. و راهی نیروی هوایی شد. در این محیط قوانین خشک و اطاعت کورکورانه و قاصد طبقاتی که خود را بطور آشکار بسوز می داد با خلقیات رفیق احمد سازگار نبود، و او را وا داشت تا بسزوی راه مقود را عنوض نماید. محیط ارتش را تیرک و به مسائل سیاسی روی آورد.

رفیق در آتاک سال ۵۶ به سرهاری رفت و این درحالی بود که شناخت دقیق از صفات طبقاتی نیروی جامعه بدست آورده بود و به بعضی ورود به جمع سرهازان با تجارب گذشته که از سیستم ضد خلقی ارتش داشت به افشگری پرداخت سرانجام با طقیان توده ها و سبک بنیان کن آنان علیه

و بارزیت کمونیت قادر بود در هر جمعی لغتصان انقلابی افراد را در مدت کوتاهی به خود جلب نماید و به عنوان عامل محرکه عظیمی، هر گونه مأموریت تشکیلاتی را خیرین موفقیت سازد.

او در حالیکه طب سربختر از کهن و خشم طبقاتی اثبات شده بسوز، در میان توده ها و رفقایش، در هر لحظه با روشی گشاده صوحنی از شور و هیجان می آفرید. شهادت رفیق احمد چون خاطره های او و زندگی پویایش برای تمامی کسانی که او را می شناختند و با او زندگی و در یک سطر مبارزه میکردند بر صحنای آموختنی بر جای گذارد.

اگر او و صدها رفیق فدائی امروز دیگر در میان نمانده اند، لیکن یاد و آرمان آنان به عنوان پرچم داران پاکبازان راه رهائی کارگران و رهبران راستین راه کمونیسم در طب بزرگ طبقه کارگر و توده های زحمتکش ایران جا بجا خواهد ماند.

خاطره اثر جاودان بار!

# بیماران شهرهای...

از صفحه ۱

بسی خانان و کوره ساخت و یکبار دیگر چهره ارتجاعی و ضد بشری این جنگ را هر چه بیشتر آشکار ساخت.

جنگ بین دولت ایران و عراق که از همان آغاز تنها هدف واقعی آنها مطالبه با هر گونه تحریک انقلابی توده های کارگر و زحمتکش تشکیل میداد و خود بشری برای به انحراف کشاندن اراده توده ها بود، تحت لوای سیاستهای توسعه طلبانه آغاز گشت و در طول یک پروسه ناپایا در یک سال گذشته در توازن نیروی طرفین، به یک مرحله فرسایشی پای گذاشت.

واقعیت این است که نه رژیم جمهوری اسلامی که با سرافرازانه انداختن اصواج انسانی توانست نیروهای رژیم عراق را از ایران بیرون نبرد و یا آنکه به همین تأکید نیز حملات نا فرجایی را به داخل خاک عراق سازماندهی کند و نه دولت عراق علیرغم تمام سعی و کوششهای اولیه خود در اشغال بخشی از خاک ایران، هیچکدام در یک سال گذشته قدرت آنها را که دیگری را از پای نر آورند یا حمله مینوش ساز را آغاز نمایند، نداشتند. به همین دلیل نیز در نتیجه توازن ایجاد شده در جنبه های جنگ و عدم توانایی طرفین در وارد آوردن ضربه نهایی و شکستن بن بست جنگ، عرصه جنگ به پشت جبهه های رسمی آن کشیده شده، کسبه مهم ترین عرصه آنها در چند ماه گذشته، حمله به تأسیسات نفتی و کشتی های نفتکش در خلیج فارس تشکیل می داد. دولت عراق با اتکاء به تفوق هوایی خود برای از میان بردن منابع درآمدی نفتی رژیم جمهوری اسلامی بر ایجاد این مفصلات هر روز بیشتر از روز پیش افزوده است. اما داضه حملات هوایی دولت عراق در هفته های اخیر اسفند ماه، بسیار فراتر رشت و ایجاد جنایتکارانه ای به خود گرفت و اکثر شهرهای ایران را در مقایسه وسیعی در بر گرفت که مناسب با آن رژیم جمهوری

اسلامی نیز دست به بمباران مبعانه مناطق مسکونی و شهرهای عراق زد. این سایه کشتار مبعانه دولت های ایران و عراق که تا کنون بیش از هفتاد شهر ایران و عراق را در بر گرفته است، هنوز ادامه دارد.

در طول بمباران های اخیر برخی از شهرهای ایران حتی دو بار و سه بار ضوایی بمباران شدند و همچنین علاوه بر شهرهای مرکزی و شمالی برای چندین بار، اکثر شهرهای کردستان نظیر نیز همچون دفعات قبل و سالهای گذشته به سرانه ای تبدیل گشتند. ایران نیز تقابلاً به گلوله باران و بمباران شهرهای عراق دست زد. ایما در این بمبارانها و مواقت حنائینبار آنها علاوه بر آنکه ماهیت این جنگ را هر چه بیشتر آشکار ساخت و ضرورت پایان دادن به آنها که امروز مستقیماً به حیات رژیم جمهوری اسلامی و سیاست توسعه طلبانه آن گره خورده است بیش از پیش به یک امر عاجل و سرم توده های زحمتکش تبدیل ساخت.

البته رژیم جمهوری اسلامی با اتکاء به وسیع نیرو و راه انداختن اصواج انسانی خود، برای قدرت نظامی در مقابله با حاکمات هوایی عراق دست به حمله جدیدی نیز زد، تا شاید بتواند به پیروزی ای نائل آید. بدین وسیله بر تبلیغات گسترده خود بیفزاید. اصلاً پیروزی رژیم به داخل خاک عراق با شکست مفضحانه ای روبرو گشت که طلی آن بیفراز سی هزار نفر از فرزندان کارگران و زحمتکشان ایران قربانی طامع ارتجاعی رژیم گشتند.

مواقت و محنتناک این حمله چنان وسعتی داشت که رژیم جمهوری اسلامی قادر نشد حتی از کوچکترین پیروزی بر این حمله سخن بگوید و حول آن تبلیغات نماید و از این طریق به تشدید فضای ناامنی از بمبارانها پرداخته، بسیج نیرو نماید. در حقیقت حمله اخیر، آخرین پتانسیل بسیج نیروی رژیم را علاوه بر آن که آشکار ساخت، با شکست نیز مواجه ساخت. شکستی که سرمداران رژیم نیز قادر به سکوت در مقابل آن نیستند.

آنچه که مسلم است، در طول یک سال گذشته هر دو طرف بدون

تسرید در صدر تجدید قوا برای حملات عریضه گسترده بشر بودند، رژیم عراقی برای تحقیر نیروهای خود، دست به خرید و تهیه پیشرفته ترین سلاح ها زد و تلاش نمود با حمله به کشتی های نفتکش، رژیم جمهوری اسلامی را تحت محاصره اقتصادی بر آورده و بدین وسیله موجبات ورشکستگی آنها هر چه بیشتر فراهم نماید و از سوی دیگر در حملات مضمحلانه خود این ماه برای آن که حملات احتمالی رژیم جمهوری اسلامی را خنثی نماید، تلاش نمود با بمباران های وسیع هوایی جنگ را به پشت جبهه ها کشانده، علاوه بر لطمات و ضرباتی که بر منابع و مراکز اقتصادی و نظامی رژیم وارد می آورد، از طریق بمباران کردن بخش وسیعی از شهرهای ایران رژیم را دچار مشکلات عدیده ای در تمامی زمینه ها نماید.

رژیم جمهوری اسلامی نیز با توجه به این واقعیت که شوکبران به راه انداختن اصواج نیروی انسانی را همچون گذشته ندادن، در حصول نتایج ماهیاتی گذشته در برمدن تهیه مقدمات است حمله وسیع دیگر بود چرا که رژیم جمهوری اسلامی در پیروزی های هر از چند گاهی در عرصه ها برای تویب توده ها و سرانجام نوجبه برای ادامه این جنگ ارتجاعی نیازمند است. به همین دلیل نیز در طول چند ماه گذشته قسمت در تلاش تهیه سلاح و تأمین نیروی انسانی برای چنین حمله ای بود. اما با شکست حمله اخیر و اطمینانهای جنگ آشکار ساخت که دیگر رژیم حتی امکان بدست آوردن پیروزی های موقتی در این جنگ را نیز از دست داده است و این جنگ علیرغم تمام سعی و کوششهای یک ماهه اخیر و گشت و کشتارهای حمله از آن چه در عرصه های جنگ به یک مرحله توازن متقابل و طبیعتاً فرسایشی گام گذارده است، نه دولت ایران و نه دولت عراق هیچیک را برای موفقیت و پیروزی در آن را ندارند.

توازن موجود بین نیروهای دولت های ایران و عراق و ناتوانی هر کدام از طرفین در به فرجام رساندن جنگ کسوتی بیانشگر بن بست قطعی این جنگ است و حملات هوایی طرفین و

حکومت مذبوحانه رژیم جمهوری اسلامی در حقیقت تأکید دیگری بر این بن بست در راههای گذشته بود، این بن بست تماماً در سرزهای دو کشور نخواهد شکست، چرا که هیچکدام از طرفین باواری چنین کاری را ندارند و در آینده نزدیک نیز با توجه به وضعیت بحرانی منطقه و توان و قدرت طرفین امکان اینکه یکی از دولتین ایران یا عراق بتواند توان موجود را درهم شکند، وجود ندارد. به همین لحاظ نیز تدویم این جنگ و تأکید بر ادامه دادن به آن از سوی رژیم ایران، نمیتواند به اعتقاد این رژیم به پیروزی در جبهه‌های جنگ تعبیر شود و چنین نیز نیست. رژیم ایران مثل پنج سال گذشته جنگ در مرزها راهمدا برای نیل به هدفهای داخلی خود ادامه داده است. به همین دلیل نیز دیگر سرنویشت این جنگ نه در جبهه‌های جنگ، بلکه در تقابل خونین رژیم‌های هدایت کننده این جنگ با توده‌های زحمتکش و کشور رقم می‌خورد.

جوانه‌های چنین سرنویشت توده‌ای ضد جنگ در ایران در ماه گذشته و در ایام صیعی نمایان گشته است، زحمتکشان شهرهای ایران در مقابل بمباران شهرها به تظاهرات علیه رژیم جمهوری اسلامی دست زده و شمار سرنگونی رژیم را طرح ساخته‌اند، این امر با نگرش و اختلالی جنون‌آمیز و شکست تمامی ترفندهای جنگ طلبانه و مذبوحانه رژیم در میان توده‌هاست. واقعیت این است که به هیچ طریق دیگری جز از طریق تبدیل این جنگ به یک جنگ تمام عیار داخلی علیه رژیم نمیتوان امروز در ایران از پایان جنگ سخن گفت. صلباً باید بطور قطع در میان توده‌ها این امر را به یک اراده سرنویشت تبدیل ساخت که تنها مقابله سرخستانه آنها با رژیم جمهوری اسلامی با تمامی میانهای ارتجاعی و توسعه طلبانه آن است که می‌تواند به جنگ و کشتارهای ناشی از آن پایان دهد.

رژیم جمهوری اسلامی در حقیقت با

## بیماران

ادامه این جنگ و تأکید بر روی آن، هدفی جز ایجاد فضای ضایع برای سرکوب توده‌ها و تحمیل وضعیت فلاکت‌آلود اقتصادی و اجتماعی حاکم ندارد. وضعیتی که جز فقر و فلاکت و بدبختی بر اکثریت توده‌های کارگر و زحمتکشی جامعه ما ارفغان دیگری نداشته و ندارد و بر طول چند سال گذشته نیز هر گونه اعتراض به چنین وضعیتی با شدیدترین سرکوب رژیم روپرو گردیده و با دست‌آویز قرار دادن جنگ با دولت عراقی توجیه گرفته است. جنگ در حقیقت حیاتی شده است بر وضعیت رو به انفجار داخلی جمهوری که رژیم این همه برای ادامه بی‌پایان و بدون چشم‌انداز آن تأکید می‌نماید. و هر روز و در هر حمله مذبوحانه‌ای دهها هزار نفر از فرزندان محروم‌ترین بخش‌های جامعه ایران را قربانی طامع ارتجاعی خود می‌نماید.

امروز اکثریت توده‌های زحمتکش بیش از پیش به ماهیت ارتجاعی این جنگ خانمانسوز پی برده‌اند. آنان بخصوص در پیاتنه‌اند که رژیم جنگ طلب جمهوری اسلامی در هر لحظه از حیات تنگنیش، جز تشدید فقر و گرسنگی، جز تشدید آوارگی و هیت، جز کشتار و سرانسی هیچ تیره‌ای برای آنان بهار نخواهد آورد. هر هیچکس پیشیده نیست که برای پایان بخشیدن به این جنگ و مصالحت آن راهی جز گسترش مبارزه برای سرنگونی کبیت این رژیم تبهکار در مقابل کارگران و زحمتکشان ایران باقی نمانده است.

باید به افتراوات روپسه افزایش توده‌های مردم علیه رژیم و جنگ آهنگ سرخ‌تری بخشیده و باید سرهازان این گوشت‌دم - سوپ رژیم‌های سراب‌داری و از حطه رژیم جمهوری اسلامی تفکهای خود را به صحنه رژیم

نشانه روند. جنگ واقعی بین رژیم سرتجع سرطانیه ایران در بخش جمهوری اسلامی از یکسو، کارگران و عوام توده‌های زحمتکش از سوی دیگر در عرصه داخلی است. جایی که سرنویشت تنها جنگ، بلکه فقر و بدبختی و فلاکت حاکم بر جامعه نیز رقم می‌خورد. جنگ امروز وسیله‌ای و ضمیمه‌ای بر تکیه ارتجاعی سرکوب ارتجاعی رژیم است برای مقابله با خواست‌های حقیقی و انقلابی توده‌ها منی برای جاد تحولات انقلابی در سطح جامعه و تأمین حقوق بدبختی خود. برای پایان دادن به جنگ، برای پایان دادن به فقر و فلاکت هم‌صو، برای پایان دادن به کشت و کشتارهای سیهانه رژیم یا تمامی قدرت باید در مقابل رژیم جمهوری اسلامی به مبارزه بی‌امان و قطعی برخاست.

## گرامی باد

از صحنه ۱۴  
چنان باختند، تا پای جان به آسان سازمان وفادار، ما نیز. پیمان می‌بندیم تا همچون رفیق‌های در مبارزه بی‌پایان دشمنان طبقاتی تمامی سرجمعین و مارتنگاران طامع و بی‌رحم باشیم و انطور که بایستیم یک کمونیست انقلابی است یکدم از آسان سرخ کارگران روپگردان نبوده و در هر زمان و هر کجا از مدافعان فعال ضایع خسته کارگرانیم.

یار و خاطره شکوفا شدند شهیدای اسفند ماه ۶۰ رفقا، نظام، کاسط (محمد رضا بهشتی)، عباس (مقربانکرالی)، امیر، چواد، حمید، خناسار و رفیق احمد غلامیان لنگسروزی در شب بزرگ یرولتار ایران همیشه زنده خواهد ماند.



برای برقراری صلحی دمکراتیک، جنگ ارتجاعی را به جنگ داخلی علیه رژیم تبدیل کنیم

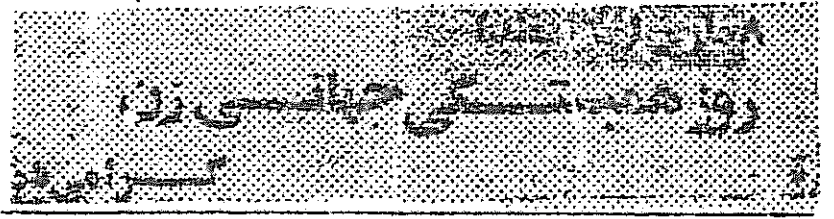


ممکن در حق زنان ایران اعمال  
میکرد.

اساساً ریشه تاریخی و  
اجتماعی انتقاد زنان به جوامع  
اولیه و مناسبات تولیدی حاکم  
بر آنها بر میگردد. در آن جوامع  
زنان بشدت در نقش خود را در  
تولید و فعالیت اجتماعی از دست  
داده و در چهارچوب خانسه  
محصور مانده اند. در نظام  
سرمایه داری این انتقاد در رابطه  
با زنان کارگر و زحمتکش بسا  
استثمار و جنسیتان نظام  
سرمایه داری آمیخته شده و  
مجموعاً سطح منافع را بوجود  
می آورد که طی آن زنان از یک سو  
بمعنوان کارگر به شدتترین سبب  
استثمار می شوند و از سوی دیگر  
بخاطر زن بودن از حقوق اجتماعی  
محرومند.

تولید سرمایه داری که  
صنعتی بر بهره کشی از کارمندان  
و استثمار کارگران است،  
با حفظ بقایای فرهنگ طنانی  
جوامع پیش از خود، در زمینه  
بهره کشی هر چه بیشتر از زنان  
و زحمتکشان بسوی با این سیستم  
مضامین بر زنان و اعمال آن  
بر مبنای نابرابری جنسی  
اشکار ساخته است که میوات دار  
واقعی این جوامع بوده و هست.  
مسئله تبعیض بر مبنای جنسیت  
پیشین مرد و زن، مقوله ای است که  
به نخستین ادرار پیدایش جوامع  
طبقاتی و بسویژه در دوران بعد از  
تقسیم کار اولیه بر میگردد که  
بر بنیان آن نشوونده با توجه  
به کارایی جسمی آن در تولید،  
تفوق کامل یافت. و در تمامی  
دوران موجودیت جامعه طبقاتی  
این تفوق به اندازه گوناگون حفظ  
شده. حتی در ادیان و مذاهب  
و فلسف و فرهنگ این جوامع  
نیز بمعنوان یک اصل بدیهی در  
مقابل بی حقی عمیق زنان بسویج  
آورده شده و مورد تأکید  
قرار گرفته است.

نظام سرمایه داری نه تنها  
بنا به ماهیت خود در جهت  
حل آن گام برداشته است بلکه  
عملاً اعمال آنرا در اشکال  
بیشترتیه تری رسیت نیز بخشیده  
است. این رسیت بخشیدن که  
در حقیقت با توسل به فرهنگ و  
ادیان خلق به دورتهای ماقبل  
در شرایط خدیده توجیه میگردد  
در عمل مفومی بجز تشدید  
استثمار و بهره کشی هر چه بیشتر



در راه رهایی از قید و بند بردگی  
را سر دهند.

از آن هنگام تا کنون روز  
جهانی زن همه ساله در بسیاری  
از کشورهای جهان تصمیم از  
کشورهای سوسیالیستی و  
سرمایه داری توسط نیروهای  
شوقی و انقلابی جشن گرفته  
میشود. در این روز زنان و مردان  
مبارزه در صفوف پیارچه خود  
بر ضرورت رهایی از پیوسته  
سرمایه داری که سرمنشأ تمامی  
اشکال توحش و سرکوب، تحقیر  
و بی حقوقی انسانها از جمله  
زنان است ای می فشارند.

در ایران نیز همچون سایر  
کشورهای جهان، هر ساله  
این روز تاریخی چه در  
حسوت بهلوی و چه بعد از  
قیام، توسط زنان انقلابی و نیروهای  
شوقی جشن گرفته شده است. اما  
اصلاً، در شرایطی این روز تاریخی  
فرا رسید که جمهوری اسلامی  
طی ۶ سال با پایمال کردن  
ابتدائی ترین حقیق دموکراتیک  
توده ها توحش و سرکوبیت قرون  
وسطائی حکومتش را به آج خود  
رسانیده است.

روز جهانی زن در شرایطی  
فرا رسید که زنان زحمتکش و  
کارگر ایران علاوه بر شرایط  
مشقت بار ناشی از سطح طبقاتی  
در معرض وحشیانه ترین تعدیاتی  
قرار دارند که از طریق رژیم  
مذهبی جمهوری اسلامی با اعمال  
سیاستها و قوانین ارتجاعی قرون  
وسطائی بر آنها روا می شود  
و موجودیت آنان را به شایبه  
یک انسان به زیر سوال کشیده و  
آنان را از کلیه حقوق انسانی و  
اجتماعی محروم نموده است. در  
رژیم جمهوری اسلامی زنان در  
بی حقوقی وسیع بر می برنده  
آنان نه تنها از هر گونه فعالیت  
اجتماعی محرومند، بلکه بمعنوان  
یک موجود حقو آشکارا با کس  
شدیدترین تعقیبات اجتماعی  
را نیز تحمل نمایند.

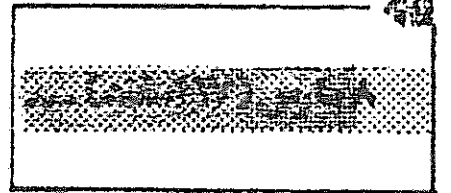
به این ترتیب تمام ذلتی  
که در کلیه جوامع سرمایه داری  
نسبت به زنان روا می شود بسه  
شدیدترین و آشکارترین شکل

هفدهم اسفند برابر با ۸ مارس  
روز جهانی جهانی زنان  
زحمتکش است. روزی که کارگران  
و زحمتکشان و نیروهای انقلابی  
در سراسر جهان با گرامیداشت  
آن جهانی خود را با جنبش  
زنان زحمتکش در مبارزه علیه  
نابرابریهای اجتماعی و تصمیم  
مضامینی که در جامعه سرمایه داری  
بر آنها روا میگردد، اعلام میدارند.

هشتم مارس ۱۹۰۸، هفتاد و  
هفت سال پیش، در چنین روزی،  
هزاران تن از زنان کارگر و  
زحمتکش صنایع شاجی و روزندگی  
آمریکا در شهر نیویورک، ضمن  
بسر پا داشتن تظاهرات اعتراضی  
عظیم، پایان بخشیدن به قوانین  
وحشیانه ۱۲ ساعت کار روزانه برای  
زنان، افزایش دستمزد، تقییل  
ساعات کار در هفته، بدست آوردن  
حق رای و لغو کار کودکان را  
خراتار گردیدند.

این تظاهرات، باشکوه که  
نقطه عطفی در تاریخ مبارزات  
زنان برای کسب حقوق برابر  
با مردان بشمار می آید،  
نخستین جرقه ای بود که در تداوم  
خود، منجر به تثبیت حق رای  
برای زنان آمریکا گردیدند.  
تظاهرات مذکور نه تنها در  
آمریکا مورد حمایت هزاران زن  
زحمتکش و مبارز دیگر قرار گرفت،  
بلکه در سایر مناطق جهان نیز  
صبح حمایت انقلابیون زنان  
کارگر و مبارز را در پی داشت.

دو سال بعد یعنی در سال  
۱۹۱۰ کنفرانس بین المللی زنان،  
به پیشنهاد انگلیسی کمونیست و  
مبارز مشهور آلمانی کلارا زتکین  
هشتم مارس را بمعنوان روز جهانی  
زن نامگذاری کرد. این نام گذاری  
همچنین به پاس گرامیداشت مبارزات  
زنان زحمتکش آمریکا و نیز برای  
پشتیبانی از مبارزات کلیه زنان  
زحمتکش و مستعبد، سراسر جهان  
صورت گرفت. کنفرانس به تمامی  
زنان جهان فراخوان داد تا هر ساله  
در این روز جشن جهانی  
دارند و علیه پیداکریماتیستی  
که در جامعه سرمایه داری نسبت  
به آنان روا می شود به خیابانها  
بریزند و سرود اتحاد و مبارزه



را ندارد. جنبش دگرگانی زنان در جوامع سرمایه داری برای محو نظام برادری و دست یافتن به حقوق دگرگانی همواره یکی از جنبشهای فعال بوده است. زنان کارگر و زحمتکشی در مبارزه خود دریافته اند که تحقق واقعی خواستهایشان در گرو نامیدن و سپس تعیین دگرگانیها که با سرنگونی حاکمیت سرمایه داران ممکن خواهد شد قرار دارد. از همین رو مبارزات آنان در راستای مبارزه طبقاتی و در پیوند با مبارزه طبقه کارگر تا کنون به دستاوردهای بسیاری دست یافته است و با قربانیان زیاد و فداکاری هزاران زن انقلابی بسیاری از خواستهای خود را به دولتهای بورژوازی تحمیل کرده است.

در ایران نیز زنان کارگر در مبارزه علیه رژیم شاه به بسیاری از خواستهایشان دست یافته بودند. اگرچه این خواستها بسیار جزئی بود و رژیم شاه آنها را محدودتر از دیگر کشورها برسمیت شناخت، لیکن بعد از سرنگونی آن نه تنها زنان به خواستهای واقعی خود نائل نگشتند، بلکه دستاوردهایی نیز که آنان طی مبارزات خود بدست آورده بودند پایمال گشت و در سایه حکومت بربریت و توحش قرون وسطایی از ابتدائی ترین حقوق محروم ماندند.

در ایران و سراسر جهان همواره زنان زحمتکش طبقاتی بهمدانتهای جنسی بر تمییز جنسی به مبارزه پرداخته اند و نمونه های پرخشانی از مبارزه را برجای گذاشته و از نقش بارزی در جنبشهای کارگری و توده ای برخوردار بوده اند. وجود شخصتهای برجسته ای از زنان انقلابی و کمونیست در راس جنبشهای انقلابی در سراسر جهان و حضور پیشین ساز زنان قهرمانی چون فدائیان خلق، مرضیه احمد اسکویی، فاطمه فروری و مجاهد شهید فاطمه امینی در صفوف جنبش سلحشور در دوران شاه و شرکت وسیع زنان زحمتکش از نخستین لحظات اوگیری مبارزات انقلابی توده ها

علیه رژیم پهلوی، مشارکت فعال زنان در عرصه های مختلف سیاسی پیر از قیام و در مبارزه سرسختانه کنونی علیه رژیم جمهوری اسلامی که بهشتیون ستم را نیز علیه زنان روا داشته، خود نشانگر وسعت و ابعاد عمیق یافته مبارزات زنان است.

زنان در کردستان انقلابی نیز، علیرغم این که رژیم جمهوری اسلامی در طول ۶ سال گذشته هرگز نتوانسته است حاکمیت خود را بر آن اعمال کند، از وضعیت ویژه ای برخوردارند. زنان بعنوان نیمی از جامعه کردستان، هنسوز بدلیل وجود بقایای نظامات قرون وسطایی در کردستان، بدلیل عقب ماندگی ناشی از ستم ملی، از ضائل و مشکلات عدیده خاص خود برخوردار بوده و هستند. وجود روابط عقب مانده و سنتهای همچون "تن به تن" که علیرغم اعلام رسمی منسوخ بودن آن از سوی کلیه نیروهای انقلابی هنوز این سوی و آن سوی وجود دارد، یکی از مواردی است که ابتدائی ترین حقوق نیمی از جامعه کردستان را زیر پا می گذارد، اما اگر این امر پست جنبه از واقعیت جامعه کردستان باشد که ناشی از همان حضور نظامات پوسیده و عقب مانده اجتماعی است باید با تأطیم انسان داشت که جنبه بارز و اصلی حرکت همجوشی زنان کردستان شرکت فعال آنها در جنبش انقلابی خلق کرد در نظامی عرصه هاست. دفاع از حقوق دگرگانی خلق کرد، مقاومت در برابر میاستهای ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی تا همین پست جنبه و غیره تا شرکت فعالانه در مبارزه سلحشور خلق کرد از جلوه های بارز شرکت زنان در مبارزات کنونی کارگران و زحمتکشان خلق کرد است.

اما مبارزه پیرامون حقوق دگرگانی زنان و محو ستمی که بر آنها روا می گردد تنها به خودشان خلاصه نمی شود. از وظایف کمونیست است که با تلاش آگاهگرانه خود در میان کارگران و کلیه زحمتکشان از همان عموم توده ها را از مضموم ارتجاعی فرهنگ طبقات متفرد و سالارانه حاکم پاک نموده و حمایت آنان را از حقوق و خواستهای دگرگانی و انسانی زنان برانگیزند. سازمان چریکهای فدائی خلق

ایران با اعتقاد راسخ بر اینکه از میان بردن برادری زنان بطور نهایی تنها در یک جامعه سوسیالیستی امکان پذیر است، و اینکه هیچ دگرگانی بدون رفع تمییزهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در مورد زنان پایدار نخواهد ماند، بهین دلیل در برنامه عملی خود علاوه بر خواستهای اقدامات عمومی در یک جمهوری دگرگانی و انقلابی تحقق خواستهای ویژه را در رابطه با زنان ضروری میدانند.

- حقوق اجتماعی برابر زنان با مردان و لغو هر گونه ستم و تمییز بر پایه جنسیت
- شرکت آزادانه زنان در تمامی فعالیتهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی
- لغو قوانین ارتجاعی مربوط به خانواده، تشریح طلاق یکجانبه تمدد زوجات و صیغه
- لغو مقررات حساب احماری که ابزار فشار و ستم بر زنان است
- برخورداری از حقوق و مزایای کامل و مساوی با مردان در آزادی کار صوری
- برخورداری از تسهیلات چون شهر خوارگاه، مهد کودک و حق نگهداری و رسیدگی به کودکان در محل کار
- مصونیت کار زنان در رشته هایی که برای سلامتی آنها زیان آور است
- مرخصی زنان باردار دو ماه قبل و دو ماه بعد از زایمان بدون کسر حقوق یا برخورداری از امکانات پزشکی، درمانی و دارویی رایگان.

امسال روز جهانی زن چگونه برگزار شد؟

امسال نیز چین همه سالهای گذشته در اکثر کشورهای جهان روز جهانی زن با عظمت و شکوه خاصی جشن گرفته شد. در کشورهای سوسیالیستی که با سرنگونی نظام سرمایه داری و برقراری سوسیالیسم جهانی زنان تا همین شده است و زنان به حقوق

اجتماعی برابر با مردان دست-  
یافته اند، روز جهانی زن تعطیل  
رسمی اعلام شد و همسر مردم  
این کشورها با برگزاری کنفرانسها  
فستیوالهای فیلم و نمایشگاههایی  
از مشارکت زنان در امور اجتماعی  
با دادن گلد و هدایای دیگر  
به زنان، این روز را جشن  
گرفتند. در اکثر کشورهای  
صوبه داری، مراسم تظاهرات  
ضد دردی برگزار شد که در آن  
زنان کارگر و زحمتمکش اعتراضات  
خود را به تظاهرات اجتماعی و  
ستم دوگانه ای که بر آنها  
افعال میشود نشان دادند.

در کشورهای تحت سلطه  
امپریالیسم، زنان آگاه و مبارز این  
کشورها همای اعتراض به  
نابرابری اجتماعی حقوق خویش با  
مردان، روز زن را به تظاهرات علیه  
رویههای حاکم بر این کشورها  
تبدیل کردند. زنان مبارز فلسطینی  
در روز جهانی زن، تظاهرات  
عظیمی علیه بیخوشه دیکتاتور  
این کشور بر پا داشتند. در  
فلیپین دهها هزار زن زحمتمکش  
و مبارز فلیپینسی در خیابانهای  
پایتخت این کشور در اعتراض به  
هموم سیاستهای ارتجاعی دولت  
فلیپین، دست به تظاهرات  
گسترده زدند. زنان تظاهر  
کننده فلیپینسی همچنین خواستار  
از بین رفتن نابرابری حقوق  
اجتماعی موجود میان زنان و  
مردان شدند. زنان مکزیکی نیز  
در تظاهرات روز جهانی زن،  
سیاستهای تجارزگراانه و استثمار-  
گرانه امپریالیسم آمریکا در  
آمریکای مرکزی را محکوم کردند.

اما در کشورها آساز زنان  
ایران که در حاکمیت جمهوری  
اسلامی از ابتدائی ترین حقوق  
انسانی خود نیز محروم شده،  
توانستند این روز تاریخی را جشن  
بگیرند. رژیم جمهوری اسلامی  
که در سلب حقوق زنان و افعال  
تضییقات گوناگون بر آنان، گوی  
صیقت از همه سرزمین جهان  
رسیده است، رژیمسی که جنبشی  
حقوق ابتدائی زنان را که به  
عصه حکومتی بورژوازی نیز  
تحصیل شده، از زنان سلب کرده،  
رژیمی که طبق احکام اسلامی اش  
مقام و منزلت زن را تا حد  
یک پرده تقلیل داده و به آن  
بمعنوان یک انسان ناقص العقل

و شهروند درجه دوم برخورد  
میکند، بجای ۸ مارس روز جهانی  
زن، روز تولد فاطمه زهرا را روز  
آن اعلام نمود و به همین مناسبت  
مراسم قرآنی با حضور تعدادی  
از زنان حزباللهی بر پا کرد.  
در روز زن جمهوری اسلامی،  
جنبشی مرتجع، خامه ای مزدور  
و دیگر سران رژیم هر یک در  
پیامها و سخنرانیهای خود بار  
دیگر بر نظرات ارتجاعی و ضد  
انسانی خود در باره زن پسای  
فشارند. خامه ای مرتجع  
برابری زن و مرد را یک انهای  
باطل خواند و گفت که از دیدگاه  
اسلام دشوارترین و مهمترین  
کاری که از زن برمی آید، وظیفه  
مادری است.

به این ترتیب سران جمهوری  
اسلامی افکار و اعتقادات ارتجاعی  
خود را در باره خانه نشین  
کردن زنان و محرومیت آنان از  
کلیه حقوق اجتماعی بر سر  
داشتند. در این میان توضیح  
سازمان مجاهدین خلق نسبت  
به روز جهانی زن بسیار قابل  
توجه بود.

سازمان مجاهدین خلق که  
عقائده رژیم جمهوری اسلامی از  
سرکردگی بیت حکومت مذهبی دفاع  
میکند، نه تنها سخت انتقادی  
جهانی بر سیاست شناختن روز ۸  
مارس را بعنوان روز جهانی زن  
زیر پا گذاشت، بلکه بسی انتقادی  
خود را به حقوق اجتماعی  
زنان و از بین بردن قسمتی که  
بر آنان روا می شود، نشان  
داد.

آقای سمود رجوی و خانم  
مریم عضدانلو همسرهای مشهور  
اول سازمان مجاهدین خلق برای اولین  
بار پیامی بدین تاریخی بنامت  
روز زن دادند که در آن کوچکترین  
اشاره ای به ۸ مارس روز جهانی  
زن ننمودند. این فراخوانگری  
در مورد ذکر تاریخ پیام و نیز  
۸ مارس بعنوان روز جهانی زن  
بدین علت نیست. در حقیقت  
آنها بجنوبی پیچیده و عوامفریبانه  
و ریاکارانه، همان روز تولد فاطمه

زهراي جمهوری اسلامی جنبشی  
را بعنوان روز زن پذیرفتند.  
مریم عضدانلو بر پیام خسود  
زیرگانه گفت: در آستانه  
میلاد فاطمه زهرا (ع)  
خورشید تابان مجاهدت و رهائی  
روز جهانی زن را... گرامی  
میداریم. این برخورد  
زیرگانه و حسابگرانه مجاهدین  
با روز جهانی زن یکبار دیگر  
نابست می کند که در جمهوری  
دمکراتیک اسلامی مجاهدین  
همانطور که بارها نیز در  
گفته ها و نوشته هایشان طرح  
کرده اند، زنان حقوقی در حد  
جمهوری اسلامی امروز خواهند  
داشت.

زنان آگاه و مبارز ایران که  
۶ سال حاکمیت جمهوری اسلامی  
و قوانین شرعی آنرا تجربه  
کرده اند، اینک بخواهی میدانند  
که اساساً مذهب هیچ نزدیکتی  
با آزادی زنان ندارد. یک حکومت  
مذهبی بنا به ماهیت قسمتی  
دمکراتیک هر چقدر هم چنگا  
حقوق دمکراتیک توده ها از  
جنبه آزادی زنان را مورد نظر  
داشته باشد. زنمان  
کارگر و زحمتمکش ایران برای  
دستیابی به حقوق دمکراتیک  
خویش باید دوشیده و مردان  
زحمتمکش برای سرنگونی رژیم  
جمهوری اسلامی و برقراری  
جمهوری دمکراتیک خلق مبارزه  
کنند. تنها در جمهوری  
دمکراتیک خلق زنان به حقوق  
اجتماعی برابر با مردان دست  
خواهند یافت.

۸ مارس روز جهانی زن بر  
تمامی زنان زحمتمکش و گیسو  
زنان مبارز میهنمان که دوشادوش  
مردان و همزمان خود علیه  
بنیادهای پیچیده و ارتجاعی  
سرفایه داری بیکاری کشندگرایان مبارز!



هیچ جنبشی حقیقی توده ای، بدون شرکت زنان، نمی تواند وجود داشته باشد

# کمیون پاریس

بضایست  
یکصد و چهاردهمین  
سالگرد

اولین  
حکومت  
کارگری  
جهان



۲۷ اسفند برابر با ۱۸ مارس،  
پاریس با یکصد و چهاردهمین  
سالگرد تشکیل کمیون پاریس،  
نخستین حکومت کارگری جهان  
است. روزی که پروتاریای صلح  
پاریس با درهم شکستن ارتش  
ارتجاعی بورژوازی، پاریس را  
فتح و با به اهتزاز درآوردن  
پرچم سرخ کهن، برقراری  
اولین حکومت کارگری جهان  
را اعلام کرد. روزی پس از آنکه  
وتاریخی که هرساله تمامی پروتاریا  
و استثمارشدگان جهان آنرا  
گرامی میدارند.

اعلام کمیون پاریس در شرایطی  
صوت گرفت که امپراطوری  
فرانسه با شکست طغیانهای  
در تهاجم به پروس مواجه  
گشته بود و با امارت لوئی -  
ناپلئون، شیوازه امپراطوری  
فرانسه از هم گسیخته بود.

کارگران و زحمتکشان فرانسه  
بعد از امارت امپراطور برای  
رهائی خود از شر صاعقه  
اجتماعی و فلاکت عمومی، با  
یک قیام صلحانه کاخ سلطنتی و  
اماکن دولتی را به اشغال  
درآوردند، آنها امپراطوری  
را طغی و جمهوری را اعلام  
داشتند. اما پیر اثر سطح  
ناز آگاهی کارگران و توهم  
نصرت به حزب جمهوری خواه،  
بورژوازی مودنیانه قدرت را  
حصب نمود و دولت دفاع ملی  
را اعلام کرد.

دولت دفاع ملی برای پایان  
بخشیدن به جنگ هیچ اقدامی  
نکرد و تمامی هم خود را  
صرف مبارز نعله های سرکشی  
انقلاب نمود. قبل جنگ  
همچنان زندگی کارگران و  
زحمتکشان هر دو کشور را به  
تاهی می کشاند. ارتش  
آلمان از مرزهای خاک فرانسه  
گذشته و خود را به پیشرفت  
دروازه های شهر پاریس رسانده  
بود. پروتاریای قهرمانان  
پاریس که غلبان ختم آن مردم  
رو به فزونی گذارده بود در برابر  
بی کفایتی مقامات دولتی، برای  
دفاع قاطعانه از پاریس با  
صلح ساختن هزاران نفر  
گارد ملی را تشکیل داد.

دولت به اصطلاح دفاع ملی  
بورژوازی که ادا جنگ و تشدید  
بحران داخلی را بضله پایان  
حکومت خود قلمداد مینمود  
به جای مقابله با نیروهای

اشغالگر، پای یک قرارداد صلح  
را با دولت آلمان امضا نمود  
در دفاع از سرمایه داران  
و زمینداران مرتجع فرانسه  
تفکهای خود را بسوی جمهوری  
پاریس برگرداند (به ریاست کمی  
به عنوان اولین هدف، خلع  
صلاح کارگران صلح پاریس را  
در دستور کار خود قرار داد و  
با اقدام به این کار چهره  
خائن خود را هرچه بیشتر  
اشکار ساخت.

توطئه بورژوازی برای  
خلع صلاح کارگران پاریس به  
بجانه پر گرفتن اموال دولتی،  
یعنی توهانی که در دست  
گارد ملی بود با مقاومت و  
مقابله کارگران در تپه های  
"مون ماوتر" پاریس نقش  
برآب شد و شیوازه نیروی  
اعزامی بورژوازی در صراجه با  
هزم آموار گارد ملی ازهم  
پاشید.

طبقه کارگر قهرمان پاریس  
با مقاومت قهری خود در مقابل  
خلع صلاح، بی درنگ راه قیام  
را برگزید. خروتر گارد ملی  
پاریس را یکجا لرزاند و دولت  
بورژوازی با زبونی و هزیمت  
تمام به سوی ورشای گریخت.  
پروتاریای پاریس پیر از فرار  
دولت "نی پی" که به دولت  
خیانت ملی معروف بود  
فاتحانه برقراری کمیون را  
اعلام داشت.

کمیون در اولین اعلامیه  
های خود بعنوان یک برنامه  
انحلال ارتش و تمام ارگانهای  
سرکوبی و بوروکراتیک را اعلام  
داشتند و تشکیل ارتش مسلح  
سودای و ارگانهای کنترل  
تودمان در حیات پاریس را به  
عنوان یک برنامه عاجل طرح و  
عملی ساختند.

کمیون تمامی امتیازات  
مطلق به وامستگان دولت و  
بوروکراسی بورژوازی  
را منسوخ اعلام نمود. برای  
کلیه تماثلین دولتی حقوقی  
برابر با حقوق بیگانه کارگر ماهر  
مقرر داشت و لایبلی تعیین و  
تعیین بودن نمایندگان در هر  
سطحی را به اصل اولیه بازم  
نمود.

کمیون با اعلام حدادتی  
کامل دین از دولت را بر  
خصوصی قلمداد نمودن آن،  
آموزش مذهبی را از برنامه های  
آموزش عصری مذار حذف نمود  
هرگونه دخالت کلیسا را در امور  
دولتی منسوخ و کلیسا را به  
عنوان تطهیر کننده نظم  
خالصانه بورژوازی افشا و  
اسدال آنرا بفتح نمود. مصادره  
مصادره نمود.

کمیون به عنوان اقدامات  
عاجل در بهبود زندگی کارگران  
و زحمتکشان، جریمه های متعدد  
سرمایه داران خست خوار را لغو  
نمود، کسب و کار بختی از

# کمون

درست‌تر کارگران، به عنوان اندوخته‌های برای دوران پیروزی را طیفی کرد، در بین زحمتکشان به بانکها را لغو نمود و استرداد و بدیمنهای آنها را از بانکهای رهنی و فیزیکی اعلام داشت، کارخانه کارگران نانوائی را مضع اعلام نمود و بدین وسیله ساعات کار آنها را محدود ساخت.

کمون فرمان ضبط و مصادره کارخانههای سرمایه داران فراری را اعلام و تحصیل آنها به تعاونیهای کارگری را مقصد ساخت، بدین وسیله اولین تعاونیهای کارگری و کنترل بر تولید و توزیع را به وجود آورد.

با استقرار کمون شور و شرف زاید العیننی تمامی نقاط پاریس را فرا گرفت. پاریس کمون که سابقا تجربه صیادت چهارولگران و استثمار گران را پشت سر گذاشته بود و در فقر و تباهی غوطه برد، هم اینک حیاتی دوباره یافته بود.

کمون در مدت بسیار کوتاه و با سرعتی خارق العاده بسا اقدامات شگرف و تحول بخش خود چهره پاریس را درگون ساخت ولی با تمامی نقاط قوت خود دچار اشتباهاتی گشت که تمامی تلاشهای ارزشمندی را با ناکامی مواجه ساخت.

کمون علیرغم برجسته شدن بساط دولت بورژوازی، با دادن امکان فرار به آنان و با سازماندهی نکردن حطه صریح علیه بورژوازی این فرصت را به او داد تا در خیابان از پاریس برای نابودی کمون تدارک ببیند. چرا که کمون به عنوان تجلی حکومت طبقاتی کارگران نمیتوانست بیسم و هراس بورژوازی را بزبان نگیرد و مورد خشم و غضب آن قرار نگیرد.

یکی از اساسی ترین اشتباهات کمون این بود که بلادرنگ کلیت ماشین دولتی بورژوازی را در هم نگیرد و خرد نکرد و صیادت قهریاش را علیه بورژوازی بطور کامل اعمال نمود و خود را در پاریس محدود ساخت و دولت بورژوازی را سرعما تعقیب ننمود و به او امکان تجدید قوای خود را در ورشای داد. این اشتباه از یکطرف ناشی از تعمق نیافتگی قدرت انقلابی کمون و از طرف دیگر نفوذ جریانات خرد بورژوازی چون پیرو نیستها در کمون نبود، همانهایی که بنا به دیدگاههای انحرافی خود عاجز از درک قانونندیهای مبارزه طبقاتی بوده و یا عدم درک ضرورت برخی اقدامات عاجل عملا فرصتهایی را برای تجمع دوباره نیرو در اختیار بورژوازی قرار دادند.

کمون بانک فرانسه را که تمامی موجودی دولت در آن قرار داشت ملی اعلام نمود. و یک کنترل و حمانرسی دقیق را بر امور مالی وضع نمود. همین امر باعث شد تمامی بورژوازی با اتکا به منابع مالی خود و تجهیز نیرو، خود را برای سرکشی پاریس آماده نماید.

کمون همچنین برای اتحاد سراسری کارگران و زحمتکشان فرانسه اقدام جدی به عمل نیامد و مبارزه خود را در پیشه فرانسه گسترش نداد. اتکاء به اکثریت عظیم توده های فرانسه قطعا پایه های کمون را مستحکم می نمود و توانایی کمون را در رفع حلات بورژوازی افزایش می داد.

اما کمون علیرغم اینها و عمر کوتاه خود به عنوان پیششار انقلابات کارگری در سبای پرارزشی را از خود برجای گذارد. در سبایی که در تدوین تئوری تاریکستی دولت و دیکتاتوری پرولتاریا بهانه یک شکل حاکمیت سیاسی- طبقاتی پرولتاریا بسیار موثر واقع گشت، در سبایی که تا امروز پس از گذشت یکصد و چهارده سال از برقراری کمون هنوز حقایق تاریخی خود را حفظ نموده و نه تنها چون ستاره ای

درخشان پرتو افکن مبارزات طبقه کارگر جهانی بوده بلکه توسط انقلابات پیروزشده سوسیالیستی بر آنها مبررناید خورده و تا محو کامل طبقات و نابودی کامل زنجیرهای اسارت و بندگی همواره راهنمای مبارزات کارگران سراسر جهان خواهد بود.

کمون با تمامی نقاط قوت خود به دلایل متعدد عینی از حطه رشد نیافتگی سرمایه داری فرانسه و ناتوانی در جذب اکثریت جامعه آن روز فرانسه بعد از ۷۲ روز حکومت قهرطانه در میدان نبرد طبقاتی از پای درآمد، اما آنچه را که کمون در قلب تاریخ جامعه بشری برای اولین بار ثبت نمود و مهر طبقاتی بر پرولتاریا را بر پیشانی داشت جاودانه گشت.

روز ۲۱ آوریل ارتشیان دولت ورشای که اکثریت آنان را اسیران جنگی آزاد شده توسط آلمان تشکیل می داد به پاریس پیورش آوردند. طبقه کارگر قهرطان برای دفاع از موجودیت کمون بعدت یک هفته بمقابله رودرویی با بورژوازی و صدها هزارتن از ارتشیان آن پرداخت و بسا خسوش زنده باد کمون خیابانها را تماما بارگاد بندی نمود. در این درگیریها دهها هزار نفر از قهرطانان کمون در خون غلطیدند و آخرین دسته از رزندگان آن در قبرستان "پیرلاشز" کنار شهر پاریس تا آخرین نفس و گلوله جنگیدند و سرانجام استوار و دلاورانه در پای دیوارهای کهنه آن تیرباران شده و بسا وفاداری به آرمانهای طبقاتی کمون قهرطانان جاودانه جنبش طبقه کارگر جهانی گردیدند.

در یکصد و چهاردهمین سالگرد برقراری اولین حکومت کارگری جهان، یاد دلاوریهای کموناردها را زنده نگه داشته و با گرامیداشت آرتهای انقلابی کمون پاریس در سبای ارزشمند آنها به عنوان بخشی از تجارب غنی پرولتاریای جهانی در راه نیل به سوسیالیسم و کمونیسم فرا راه مبارزه طبقه کارگر ایران قرار دهیم.

## پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

سه سالی که سازمان ما پس از تحمل ضربات اسفند ماه ۶۰ که ضربه به اسارت و عبادت تعدادی از ارزشمندترین فعالین سازمان از پایین ترین رده ها تا سطح رهبری و انهدام و تاراج بخش مهمی از امکانات تدارکاتی، مالی و تبلیغاتی تشکیلات تهران و از جمله چاپخانه مرکزی سازمان گشت، مجدداً سر برافراشت و با اتکا به ثبات قدم کهنه جنتی و سرختری انقلابی مدتها رفیق فدائیس در یکی از پر تلاطم ترین دوران حیات خود، بعنوان تنها سازمان مستقل سیاسی طبقه کارگر، همپیمان در فتنه سرخ دفاع از منافع کارگران و زحمتکشان را برافراشته نگه داشت و در پی کار خونین خود علیه بنیان نظام حاکمیت سرمایه داران و ستکبران در قلب بزرگ شهرها و کارخانهها زنجیره های پولادین تشکیل و سازماندهی را مستحکم نمود و حضور خود را در عرصه های مختلف تظاهرات، مبارزات سیاسی مداوماً حفظ نموده و تعدادیم

واقعی که حتی سران مرتجع جمهوری اسلامی نیز بالاخره از کتمان آن عاجز ماندند و محبت زده، علنا و رسماً به انتصاف آن پرداخته و از خط "کمونیسم و فدائیس" یاد سخن دادند. همان جنایتکارانی که تا چندی پیش و مخصوصاً پس از ضربات وارده بر سازمان در اسفند ماه ۶۰ با استفساده از دستگاههای تبلیغاتی خود و با انتشار اسامی چندین تن دیگر از رفقای سازمان چون رفقا حیات امیدیان (اکتدر) و مصعب مدیری شانه چسبی که از اعضای کجته مرکزی سازمان بودند و در اولین ماههای سال ۶۰ هریک در حین انجام وظایف تشکیلاتی در معاصره مزدوران رژیم دفاع مسلحانه از خود برخاسته و شهادت رسیده بودند و منظور امکندری یکی دیگر از رفقای سرکنت که پاسارت دوزخیمان رژیم در آمده و تا مدتها خیر رفیق از سرنوشت او در دست نبود، در کنار اسامی رفقا هادی، نظام، کاظم، امیر، جواد، عباس، حمید و خشیار، خیر نابودی سازمان را صداندند و با اتکا به لیست بلند بالای تنظیمی خود سعی میکردند این

## گرامی باد...

توهم را دامن بزنند که مزدوران رژیم توانستند ضربات کاری و نابود کننده بر یکبار سازمان وارد بیاورند و تلاش مینمودند تا با هیاهوی تبلیغاتی خود روحیه انقلابی نیروهای هوادار سازمان و کارگران پیشرو و انقلابی را در هم شکنند.

هر چند سازمان پسر از ضربات اسفند با قدرگی و پانابسی انجام درونی اش و با اتکا به توده های زحمتکش راه خود را از جان انبوه فشار و سختی ها باز نمود و یکبار دیگر این واقعیت را باثبات رسانید که سازمان ما علیرغم چنین ضرباتی که در طی حیات انقلابی اش بارها با آن رویرو گشته است، رفته دارتر از آن است و از عمق و وسعت و تحرک توده ای آن جنسان عظیمی برخوردار گشته است و از انچنان صتتهای قدرتمند مبارزاتی برخوردار است که چنین ضرباتی و تبلیغاتی نتواند خلل در تدوین حرکت قدرتمند آن ایجاد نماید.

اما حقیقتاً براحتمی نمیتوان از کنار نتایج سنگین یکی از صخاک ترین ضربات گذشت.

از میان رفتن رفیق چمن فدائی کبیر احمد غلامیان لنگرودی، رفیق هادی از اعضای کادر رهبری سازمان، رفیقی راستین که در راه نیل به کمونیسم زندگی انقلابی را وقف رهائی کارگران و زحمتکشان نمود مسلماً ضربه کسی نبود. رفیقی که در سخت ترین دوران حیات سازمان پیروز بعد از ضربات وارده بر کادر رهبری در سال ۵۵ و شهادت رسیدن رهبر کبیر سازمان حمید اشرف نقش برجسته ای در سازماندهی مجدد تشکیلات سازمان داشت و بسیار اصلی حرکت سازمان را بزودش کشید، رفیقی که با تعامی وجود پاکبازش در دوره انقلاب شکل یافته بود و در سرختری و پیگیری شجاعت و از خود گذشتگی ظهیر یک فدائیس و

مصلح واقعی یک کمونیست رزمنده راه رهائی طبقه کارگر بود.

از میان رفتن نظام یکی از زنده ترین کادرهای جنبش کمونیستی و مجربترین رفیق بخش کارگری سازمان و از برجسته ترین سازمانگوان عطا جنبش کارگری میمنان و یا کاظم یکی از کادرفدائیس سازمان، رفیقی که با آج پایی جنبش مسلحانه در سالهای ۵۵ و ۵۶ دیکتاتوری شاه به سازمان پیوست و بمسوان یکی از دانشمندان منافع طبقه کارگر و پیشگاران جنبش کمونیستی همواره از فعالترین رفقای سازمان بود و با سایر رفقا از تهیه ها و بخشهای مختلف تشکیلات که موجود هر کدام از آنان بشماره یکی از پایه های فعالیت عظیمی و سیاسی-تشکیلاتی سازمان بسیار ضروری و لازم بود و واقعا ضربه سنگینی بشمار پیوسته این تد اولین و نه آخرین باری بود که سازمان با این چنین رفقای را در راه رهائی کارگران و زحمتکشان و نیل به دگرگونی و سوسیالیسم از دست میداد. ولی بی شک منتهمی که آنان از خود بر جای گذاشتند رسم و آئینی را که جز سرانجام به تحمیل آن قهرمانان دست یازیدند، جاودانه و زنده خواهد ماند و عسواره انبام بخش سلخسوران فدائی خواهد بود که در صفوف مقدم بیکار طبقاتی می رزیدند و در میان طبقه کارگر و توده های زحمتکش هر روز بر نمود سازمان خویش استحکام می بخشیدند.

در سالگرد شهادت رفیق کبیر احمد غلامیان لنگرودی (هادی) رفیق نظام و رفیق کاظم از اعضای کادر مرکزی سازمان و دیگر رفقای که توسط دوزخیمان جمهوری اسلامی در اسفند ماه ۶۰ شهادت رسیدند یکبار دیگر بر پیمان خویش با کارگران و زحمتکشان تحت ستم پای فشرده و ناسپرانداختن رژیم سرمایه داری حاکم بر ایران از مبارزه انقلابی خود باز نخواهیم ایستاد. برسان می بندیم زمین رفقای پاکبازی که در فاصله ۲۳ تا ۲۵ اسفند ماه با استیواری در ایطن و اعتقاد خود به روشن شدن کارگران و زحمتکشان شهرطانه

# برخی

از صفحه ۲۲

اندک تردیدی به خود روایدار و  
و به زعم او:  
"از آنجا که بدون شک محتوای  
آن با واقعیت‌های موجود مطابقت  
دارد"  
(کردستان ۱۰۲ تاکیدها از ما)  
بی خاصیت نمی بیند که آمرادر  
نشریه اثر منتشر نماید، از راه پیش  
پخش کند و در عین حال حق سر-  
گوشه انکار را نیز برای خود  
محفوظ دارد چرا که "نوشته  
یک کادر است درست است  
دوستان دسکرات! اما اتفاقاً"  
لکته اصلی در همین "واقعیت‌های  
موجود در همین نوشته است که  
به رسم حزب دسکرات:  
"با واقعیت‌های موجود مطابقت  
دارند"

برای آن که خواننده  
فاصله بین واقعیت‌های موجود  
چنین چپ ایران و "محتوای"  
واقعی مورد مطابقت حزب  
دسکرات با این واقعیت‌ها را  
بهتر درک کند، ضروری بر این  
نوشته خالی از لطف نخواهند  
بود.

حزب دسکرات برای ترمیم  
سناریوی خود در مورد چپ  
ایران ابتدا با "دراست"  
زاید الوصفی به عناصر تشکیل  
دهنده چپ ایران پرداخته  
می‌گردد:

"در ایران هر نوجوان  
نو خاسته‌ای که در ماههای اوایل  
انقلاب... چند جلد پسا  
جزوه‌ای از کتابهای جلد سفید  
را مطالعه کرده است... به  
خود حق می‌دهد یا کلیت  
مسائل مربوط به دگرگونی‌های  
اجتماعی... اظهار نظر  
نماید... (عجب پدید آمده  
حیرت‌آوری!) بی توجهی  
این قدر از جوانان همین‌ها  
از هرگه‌های فرهنگی و ملی مردم  
و عدم اطلاع آنها از مستطاب...  
(حقیقتاً همین بزرگی است  
آدم با چنین اشراذی رو بسرو  
پاشند) و الگو برداری‌های  
سکر و انتزاعی آنها از انقلاب  
اکبر (این بی از همه بدتر)  
سگر نه دوستان! و در عین  
حال خطرناک) باعث شده است

که هر روز فاصله نیروهای  
چپ با مردم و خواستهای آنان  
فزونتر باشد  
(کردستان شماره ۱۰۲)

عجب فاجعه‌ای! بسیار دردناک  
است که این همه فاصله بین مردم  
و چپ ایران (یا حزب  
دسکرات و برنامه‌های آن  
کدامیک؟ چون حزب دسکرات  
معمولاً خود را جای مردم  
می‌گذارد و بهتر بود بر همین  
زمینه دوستان حزبی اندکسی  
صراحت نشان می‌دادند (وجود  
داشته باشد تصور را بکنند: یک  
شبت جوان تازه به دوران رسیده  
و کتاب جلد سفید خوانده، به  
خود حق بدهند در مورد تمام  
مسائل اظهار نظر نمایند و  
با بی توجهی به بزرگی‌های  
فرهنگی و ملی مردم و الگو  
برداری‌های نا بجا و خطرناک  
و آن هم از انقلاب اکبر، چاه جا  
از هویت و زهنت حرف بزنند  
و از تمحیق انقلاب و مبارزه  
طبقاتی و پرولتاریا و غیره  
سخن بگویند و این همه خاطر  
سین حزب دسکرات را به‌زارتند تا  
این چنین بر آنها عبور به  
بیان "واقعیت‌های موجود" بشوند  
و بعد از چهار سال از فتوحات  
خود در قلب سوکان و بر پشت  
پام خور سازمان بیگار "حماه"  
بشار، حقیقتاً "مغضل بزرگی  
است. آدم باید از خیالی چیزها  
از حلقه بزرگی‌های ملی و فرهنگی  
مردم آگاهی داشته باشد، الگو  
برداری از انقلاب اکبر نماند  
تا بتواند به عمق فاجعه بی بسرد.  
حقیقتاً "مغضل بزرگی است و بی  
بجزر است بر درک عمق صالیه به  
همراه حزب دسکرات کمی جلوتر  
پسرویم و بر گوشه‌های دسکری از  
"واقعیت‌های موجود" ایشان  
نظری به‌افکنیم:

برای نمونه سازمان چریکهای  
فدایی خلق را در نظر بگیرید  
(خواننده باید خوب حواسش را  
جمع کند) در نخستین ماههای  
پس از پیروزی انقلاب... این  
سازمان بزرگ‌ترین پایه امید  
بود، این (خواننده عزیز از این  
اصلاً نباید بترسد، این اصلاً از  
آن اماهای معروف است، اندکی  
تا مکه کن!) امروز ملاحظه  
می‌کنید این سازمان چه ضروفت  
غم‌انگیزی پیدا کرده است  
(صافاً بیانتورها از ما)  
ترازوی غم‌انگیزی است دوستان  
دسکرات! شما بر نگارش این

ترازوی دست سوختل و اورویید  
را هم از پشت بسته‌اید. خواننده  
کردستان حق دارد شوکه هم  
بشود.

یک مشت جوان بی تجربه و  
کتاب جلد سفید خواننده و  
کتب نوشته و بر طعنا که آداب  
و رسوم فرهنگی و ملی مردم را  
نمی‌فهمند (انتشار از آسمان  
تازه شده‌اند یا از سالک اجانب  
به این آب و خاک نازل اجلال  
شیرینده‌اند) و از انقلاب اکبر  
الگو برداری می‌کنند، فرق بین  
"یک نفر کاسپار خرد" و  
شعبه مذهب اعلی تم و یک نفر  
خرد و بورژوازی من بطرز بورژوازی  
را "نمی‌فهمند و مثل حزب  
دسکرات از شمار ساله اقتصادی  
در این زمینه (یعنی مقایسه  
بین یک قبی و من بطرز بورژوازی)  
نمی‌گذرند "عاشق مذهب  
را در نظر نمی‌گیرند و آنرا  
"یک مسئله روحانی و کم اهمیت

ظمدار" می‌کنند چه چیزی  
بیشتر از این باید انتظار  
داشت که از "پایه امید" به  
صایه باس حزب دسکرات تبدیل  
نشوند. شکرش را بکنند این  
عمه را انجام می‌دهند بعد  
اسم خردشان را تمونست هم  
می‌گذارند. واقعاً محض  
است آقایان! کورنستهای  
در دنیا پیدا میشوند که از  
کسار خاطر اقتصادی...  
بین خرد بورژوازی...  
بطرز بورژوازی نگردند. لاجواب  
این عاشق لغت انگیز یا فشناری  
کنند و غلب مذهب را بصفت  
عنوان خاطر روحانی و کم اهمیت  
جلوه داده کلر...  
از انقلاب اکبر الگو برداری کنند  
و دم از تمحیق انقلاب بزنند و  
به تحلیل عینیت و مبارزه طبقاتی  
و در نتیجه آزار و اذیت  
ایجاد دلگشویه برای حزب  
دسکرات بپردازند. چپ  
کمونستهای به چه درد حزب  
دسکرات می‌خورند، پسوای در  
کوزه خیابان. نه تنها پایه امید  
حزب دسکرات نمی‌توانند  
باشند، بلکه پایه بازش هم  
هستند که این همه او را  
آزده اند. برای درک  
این ساله خوب است به خاطرات  
تلیخ حزب دسکرات از این چپ  
نظری ببندیم. زود راه دوری  
نیاید رفت. در همین شماره کردستان  
نمونه‌های روشن از آن آورد  
شده است.

بسرخی ملاحظات...

در شرایطی که حزب دمکرات در مورد مسأله ارضی، مسأله دهقانان زحمتکش و مملع کردستان اسلام می کرد که:

شکی نیست که در هر حال کردستان ایران جز لاینفک ایران بوده و از هر نظر قوانین حاکم بر همه امور احتمالی نمی تواند خارج از چهار چوب قوانین کلی کشور قرار گیرد. از این رو اقدامات افرادی ( یعنی دهقانان زحمتکش) در جهت تقسیم اراضی معلق به دیگران ( یعنی قشربازان و بزرگ مالکان، خواننده ما را باید ببینند که مجبور به توجه زبان حزب دمکرات هستیم) غیر از ایجاد اختلاف در مملع ( مملع اختلاف بین دهقانان و قشربازان) و به وجود آوردن درگیریهای خونین ( چه صحتی!) شره ای نخواهد داشت. چه با تصویب و اجرای قوانین ارضی مطرح در شورای انقلاب [خیمه‌ساز و رژیم جمهوری اسلامی] و تشکیل شورای هفت نفری مجری قانون مذکور در هر شهرستان اقدامات این قبیل افراد ( یعنی دهقانان انقلابی و حامیان چپ آنها) بلا اثر خواهد ماند.

( اعلامیه حزب دمکرات ۱۲/۱۲/۵۸ )

این حضرات کتاب جلد می خوانند و بی توجه به متن فرهنگ و ملی مردم و قبل از همه همین شاخه کردستان سازمان چریکهای فدائیان خلق ایران، بسا حایت از شورای دهقانی روستای ارضی بلافی درست یک روز قبل از اصلاحیه بالای حزب دمکرات یعنی ۱۵ / ۱۲ / ۵۸، مسأله صادره زمین های بزرگ مالکین صحنه می گذاشت و منتظر قوانین صوب شورای انقلاب رژیم جمهوری اسلامی و هیات های هفت نفره اعزامی نمی گشت و جمله به خرج می داد و بی خود و بی جهت صاحب زمینهای دیگران را تا بید می نمود و بقول خاطره نمیر حزب دمکرات البته نه در اسفند ماه ۵۸ بلکه در بهار و اوایل سال ۵۸، سرگرم ایجاد نوعی کلتور بود علاوه بر الگو برداری در جشنین صادره زمینهای ارضی مملع دهقانان زحمتکش کردستان از دیواندره تا برادوست را نیز شرکت می داد. بی بینید این

چپها مخصوصا این نمونه سرود تأسیف حزب دمکرات چقدر مشکلات برای حزب دمکرات تولید نموده است ؟ ولی اگر مطالبه مقاله تصویق انقلاب را ادا با هم می بینیم که این اواخر نیز همین چپ در دفتر خاطرات حزب دمکرات رد پای داشته است گنیز گنیز :

برای این چپها که با خیال آموده و به دور از چشم گزیده های رژیم در سایه امنیتی که در پاریس و استکهلم ولندن به سر می برند ... ساله اساسی انحلال شورای ملی مقاومت است. از این روشب و روز سرگرم نوشتن تحلیل های آنچنانی و ناخشن به حزب دمکرات و سازمان مجاهدین خلق هستند . ( همانجا )

واقعا " صبر ارباب می خواهد که آدم وجد کمافی را تحمل کند که چنین اسائه ادبی را به ساخت مقدس تنها آفرینانید دمکراتیک روا می دارند و حزب دمکرات تحمل عجیبی به خرج اده است. سرچند خود حزب دمکرات هم این اواخر همین شورای ملی مقاومت را که زمانی صابه امنیت بود، چندان جدی نمی گیرد و اخیرا " مجاهدین خلقی نیز عذر او را خواسته اند و حزب دمکرات متقابلا " قطعی شورای ملی مقاومت را به لغزش بخشیده و در سرمقاله همین شماره کردستان گفته است که:

" آن نیروهایی که در شورای ملی مقاومت با هم همکاری دارند ... برنامه روشن و مشترک را برای مبارزه قطعی در راه سرنگونی رژیم خیمه‌ساز برای خود تنظیم نکرده اند ( آن هم بعد از نزدیک به چهار سال ؟ درست است دوستان دمکرات ) و " ما مقانسه افق چندان روشنی برای مقروط رژیم جمهوری اسلامی ] در آتیه نزدیک به چشم نمی خورده و به سادگی آب پانی روی دست نه تنها شورای ملی مقاومت، بلکه چشم انداز سرنگونی رژیم هم، ریخته است. ولی با این همه طی این سه سال و چند ماه گذشته تصور کنید حزب دمکرات با این چپها چه مشکلاتی داشته است که از یک سوی از هفت نخستین روزهای تشکیل شورای ملی مقاومت برنامه و بودجهت آنرا

زیر سوالی بردند و تند و تند مظلوم ها و برناه های آن را به شلاق انتقاد می بستند و از سوی دیگر امروز بر خلاف حزب دمکرات دم از سرنگونی رژیم خیمه‌ساز و عدم تثبیت آن می زنند، و بدون هیچ گونه تاسیسی " واقعیت های موجود" صورت نظر حزب دمکرات را از نظر دور می دارند .

واقعا حزب دمکرات با نیندوی چپ عجیبی روبرو بود و هست .

البته مثل اینکه دفترچه خاطرات حزب دمکرات ( بخشید کادر قبضی و با تجربه حسب دمکرات) در اینجا به پایمان می رسد، ولی دوستان دمکرات فکر نمی کنید این موجودات صودی، مخصوصا " همین سازمان چریکهای فدائیان خلق ایران تاریخچه و کارنامه ای غیر از تصویبات نط دارد. تاریخچه ای که جدا از آن ته انتشار کتاب های جلد سفید و ماسن و مکن آن ته استکهلم و لندن و پاریس بلکه قلب تهران و تبریز و اصفهان و کلا " سایر ایران و قلب مبارزات کارگران ایران است ؟ و واقعیت های موجود چپ ایران چیزی غیر از واقعیت های موجود در دفترچه خاطرات شماست ؟ کارنامه ای که شما برای بر آوردن اهداف تبلیغی خود به ابتداء آن دستبست زده اید. بی شک تحریفات نامیانه بیش نیست ؟

بمقرر است خود واقعیت های امروز خیمه سانی انقلابی کردستانی ایران بشویند که چپ ایران بسا تا کنیز بر روشنی رو به رشد جنبش توده ای و مبارزانه می مبارزات توده ها و تا کنیز بر جنبه های انقلابی حرکت کارگران و زحمتکشان به تحقیق انقلاب پسروخته است با حزب دمکرات با نوسل جستن به قوانین صوب شورای انقلاب منتخب سمنس سر دسته بناینگاران رژیم جمهوری اسلامی و هیات های هفت نفره و نهایتا برنامه شورای ملیس مقاومت و ... به تحمی توده ها دانسن زداست و واقعیت است که قضاوت در مورد آنها برای هر کسی که اندک آگاهی از مسائل جنبش انقلابی ایران به دست کردستان داشته باشد، آسری کامل " صبر و تردید نایدیسی است .



# اخباری از جنبش مقاومت توده‌های

## \* میروان \*

در منطقه میروان طی دو روز ضوایی در اوایل بهمن ماه روستای ماسی بر مورد یورش مزدوران پایگاههای اطراف قرار می‌گیرد. در روز اول اهالی نسبت به این اقدام وحشیانه مزدوران رژیم دست به اعتراض می‌زنند. روز بعد نیز در حالیکه فرمانده پایگاه در جمع مزدوران بود اهالی زحمتکش مورد اذیت و آزار قرار گرفتند. مزدوران با اعمال زور قصد داشتند که چند نفر از اهالی را دستگیر نمایند. که با اعتراض روستائیان روبرو شده و موفق به این کار نشدند.

اهالی در همین روز برای اعتراض به اشغال مدرسه روستا توسط پاسداران ارتجاع، به شهر میروان رفته و میخواستند مزدوران آنها را تخلیه نمایند که این حرکت زحمتکشان روستا با طاعت مزدوران روبرو می‌شود.

در همین منطقه مزدوران پایگاههای تازه آباد، کزچیدر، صوفی پله، چینال نیز بر اثر کجور مواد غذایی به انواع و اقسام فشارها متحمل می‌شوند تا مردم را وادار به تأمین آنوقت پایگاهها نمایند که با مقاومت مردم در قبال حرکت ارتجاعی خود روبرو می‌شوند.

\*\*\*

## \* سردسب \*

مزدوران رژیم که در غارت اموال و دسترنج زحمتکشان خلق کرد هیچ حد و مسموری نمی‌شناسند، در منطقه سردسب دست به غارت و جپاول اثاثیه و مسائل خانه‌هایی که صاحبان آنها بعد از تهدیدات دولت عراق به بچاران این شهر، به روستاهای اطراف پناه برده‌اند، زدند. مزدوران جاش و پاسدار حتی بر سر تقسیم وسایل غارت شده از خانه و گاشانه زحمتکشان باهم درگیر نیز شدند. \*\*\*

## \* ارومیه \*

در روز ۲۵ اسفند ماه روستای "استار" در شمال کردستان به

در ماههای گذشته زحمتکشان کردستان به اشکال متنوعی علیه فشار و زور و سرکوب مزدوران جنایتکار رژیم به مبارزه برخاسته و با مقاومتی خیره‌کننده دست به اعتراضات گسترده‌ای زده‌اند.

این اعتراضات که در شهرها و روستاهای اشغالی کردستان صورت گرفته عمدتاً اشکال حرکتی آنها ناشی از واکنشهای انقلابی است که بر بستر یک شرایط عینی، در زندگی واقعی توده‌ها با رتاج اجتناب‌ناپذیر و زحمتکشان را در تقابل با مزدوران سرکوبگر قرار داده است.

توده‌های خلقی کرد طی گذشت ۶ سال، با اراده استوار خود کلیه سیاستهای ارتجاعی و تدابیر ضد خلقی جمهوری اسلامی را با شکست مواجه ساخته‌اند، با این وجود رژیم

برای نابودی دستاوردهای جنبش انقلابی خلق کرد از هیچ تلاشی فروگذار نگردیده و مسدود می‌کوشد بهر نحو ممکن در اراده زحمتکشان کردستان خلل وارد ساخته و تسلط خود را بر جنبش توده ای تأمین نماید.

مبارزه و مقاومت در برابر ظاهری مختلف دستگیری رژیم در کردستان، در برابر تعدی و اعمال زور مزدوران، در برابر اختناق، دستگیری، شکنجه، و زندان و اخذاتی طالعسی و خانه‌گردی و غیره همه حرکتی هستند که جلوه‌های مختلفی از پتانسیل انقلابی توده‌های زحمتکش خلق کرد و تدابیر روحیات مبارزه جویانه آنان را بنمایش می‌گذارد.

ما در زیر قشبه‌ای از اخبار مبارزات زحمتکشان کردستان را برج می‌کشیم:

که سرانجام بین مردم و مزدوران درگیری ایجاد شد که در اثر آن ۳ پاسدار زخمی و مزدوران دیگر، یا به فرار گذاشتند.

این حرکت اعتراضی مردم بانه اداها یافت و در روزهای بعد نیز ضربه راهبردی شد که در روز ۲ اسفند ماه هزاران نفر از مردم گرد آمده و با شعارهای انقلابی نفرت و انزجار خود را از مزدوران رژیم نشان دادند. مزدوران پاسدار صفاپلا بطرف مردم حیران‌اندازی نمودند که در اثر آن دو نفر از مردم زخمی شدند. \*\*\*

## \* مهاباد \*

در روز ۳۰ فروردین مزدوران رژیم با حمله به روستای شیخان در منطقه مهاباد، دست به آزار و اذیت مردم زده، به غارت اموال آنان پرداختند.

## \* بانه \*

در شهر بانه مزدوران رژیم به انحاء گوناگون به آزار و اذیت مردم پرداخته و از هرگونه بی‌حرسی به آنان فروگذار نمی‌کنند و در اعتراض به همین رفتار مزدوران رژیم نیز روز ۲۵ بهمن ماه گذشته، مردم زحمتکش شهر بانه دست به تظاهرات زدند. اهالی بانه بطن میزازه‌های بازار و بسا شمار علیه مزدوران جاش که به چند زن در سطح شهری حرکت کرده بودند، حرکت در آمدند. این حرکت مزدوران را به وحشت انداخته و آنان بسوی مردم اقدام به تیراندازی کردند. \*\*\*

## \* بوکان \*

در روزهای ۲۷، ۲۸، ۲۹ بهمن ماه مزدوران گروه ضربت بمبوکان روستاهای قادرآباد، بزنگ و کجیک و قهره‌گند را محاصره کرده به آزار و اذیت زحمتکشان این روستاها و خانه‌گردی و غارت اموال آنان پرداختند.

## عملیات تهاجمی پیشمرگان فدائی

و در هم کوبیدن پایگاه "سه و رازه" در جاده بانام جردشت

از صفحه ۲۲

از پیشمرگان از نقاط دیگر مشرف به پایگاه با شلیک نارنجک انداز و سلاحهای سبک پایگاه را زیر آتش سنگین خود گرفتند. شدت آتش پیشمرگان بجدی بود که مزدوران رژیم را سرانجام ساخته و نتوان هرگونه کمک المظفری را از آنان طلب نموده بود. مزدوران با شلیک آرمی. جی. و کالیبر ۵۰ بصوی

در تاریخ ۱۰ اسفند ۶۲ دسته‌ای از پیشمرگان فدائی در ساعت ۹ شب پایگاه "سه و رازه" را مورد حمله مسلحانه خود قرار دادند. پیشمرگان از فاصله نزدیک با موثکهای آرمی. جی. و مسلسل، سنگت شب را درهم شکنند و سنگرهای نگهبانی پایگاه را مورد تعرض دلیرانه قرار دادند. دو صحن دسته

سنگرهای پیشمرگان در صورت دفاع از خود برآمدند که با هوشیاری پیشمرگان و شلیک متقابل، تلاشهای آنان بی نتیجه ماند.

در این عطیات خسارات مالی و جانی فراوانی به مزدوران جمهوری اسلامی وارد آمد که از تلفات دقیق آن اطلاعی در دست نیست. پس از انجام عطیات پیشمرگان هگی سالم به محل قرارهای خود بازگشتند. مزدوران بنا به عادت همیشگی شان به مدت یک ساعت منطقه را با توپ و خمپاره کوبیدند که خساراتی به دنبال داشت.

درگیری های سرانگیز برادران.

نکته قابل ذکر این است که برخلاف آمار جدول زیر، که معنی باید اخبار عملیات پیشمرگان خلق کرد در تقابل رژیم را متعسر نماید، بدون تردید اگر قرار باشد جدولی از فتوحات دو جانبه حزب و کومه له در حملات به یکدیگر داده شود از طول و تفصیل به مراتب فراتری برخوردار خواهد گشت. به هر حال جدول زیر برخلاف همیشه و وظیفه اصلی خود که باید نمایانگر قدرت تهاجمی پیشمرگان قهرمان خلق کرد باشد، این ماه بیائنگر افتاد نشان این تهاجمات در اثر تشدید درگیری های حزب و کومه له، و تاثیرات زاینبار این درگیری هاست.

همانطور که صلاحه می کنید جدول عطیاتی این ماه از آنچنان آمار چشمگیری برخوردار نیست، لیکن ما به این دلیل به انتشار آن در این شماره عبادت می ورزیم که ابعاد تاثیرات مخرب درگیری های حزب و کومه له بر روی تحریک پیشمرگان قهرمان خلق کرد هر چه بیشتر روشن گردد تا هر کس که اندک تعلقی به این جنبش و آیندده آن احساس می کند با مقایسه جدول این ماه با ماههای گذشته بر واقفیت تردید ناپذیر ضرورت برخوردار مسئولانه با درگیری های کنونی حزب دمکرات و کومه له اقدام عاجل در جهت پایان دادن به آنها، و توقف حاصل نموده، و از هر طریقی و به هر شیوه ای که می تواند گامی در جهت قطع ایمن

### خاتمی گره پیروز است

جدول یک ماهه عطیات پیشمرگان خلق کرد

آمار این جدول عذرتنا از اخبار رادیوهای حزب دمکرات و کومه له بر گرفته شده است.  
۲۷ بهمن تا ۲۷ اسفندماه

### عملیات پیشمرگه

۱۰	کمین و کنترل جاده
۱	مین گذاری
۷	مقابله در برابر یورش رژیم
۵	حمله به مراکز رژیم در شهرها
-	خلع سلاح پایگاه
-	مصادره و انهدام تاسیسات
۱۰	حمله به پایگاهها
۳۳	جمع

### تلفات دشمن

۲۰۵	کشته وزخمی
۳۴	اسرای دشمن
۱۹	خودرو منهدم یا محاصره شده
-	سلاحهای منهدم شده
۱۰ + ۵۴	مهمات منهدم شده
۴	شهادت پیشمرگه
۴	اهالی بی دفاع

### غنائم بدست آمده

۴	جنگ افزار سنگین و نیمه سنگین
۲	انواع نارنجک
۱	سیسیم
۱۸۰۰	انواع فشک
۴۷	خضاب
۱۵	حک اغزار انفرادی
-	کلاه اسلحه سنگین و نیمه سنگین
۳	بیوستی فریب خوردگان

سازمان و نویسی پروتئور و هیئتور شکیبازاندهی گلهای کورد

انقلابی خلق کرد در شرایط  
کوتاهی جنی بر تلاش در جهت  
ایجاد یک اراده واحد و مترصد  
درونی در این جنبش برای مقابله  
با دشمن است و عطا به تفرقه  
و تشتت در درون آن به طور  
صمیمی دامن میزنند و موجبات  
پایر و انفصال در درون آنرا  
فراهم می نمایند و چشم اندازهای  
واقعی این جنبش را در محدوده  
تنگ مانع گروسی خاص تیره و  
تاری نمی بیند. شرط بنایان  
دادن به آنها گردن نهادن به  
ضروریات جنبش و التزام به حقوق  
و اصول دمکراتیک مسلمانی  
است که امروز جنبش انقلابی  
خلق کرد در تجربه مبارزات  
عظی خود به بهای شش سال  
مبارزه خونین بر آنها دست  
یافته است.

در حقیقت در گویهای حزب  
دمکرات و کومه که مهم ترین  
شکلی هستند که از سال کهنه  
به سال نو منتقل گشته است و  
شرط هر گونه گسترش آنی جنبش  
پایان دادن به این درگیریها و  
مجموع نمودن بیشترین بخش

# بهار

نیروهای نعل جنبش انقلابی  
خلق کرد علیه رژیم جمهوری اسلامی  
و ارگان مترکز حاکمیت آن است.

جنبش انقلابی خلق کرد  
بدون تردید همچون سالهای  
گذشته در سال جدید نیز به  
قدرت هرچه بیشتر با تمامی  
مشکلات درونی این جنبش  
بیانگر آرمانهای انقلابی و دمکراتیک  
خلق کرد و تفسیر اراده بولادین  
آن خواهد بود. سال نو باید  
سال پیروزی های هرچه بیشتر  
برای پیشمرگان خلق کرد و سال  
مبارزه همه جانبه برای رسیدن  
به اهداف انقلابی دمکراتیک  
خلق کرد و سال پیروزی قطعی به پایتخت  
نسران حاکمیت جمهوری اسلامی  
باشد.

سال که اینست ما چهره  
سبز بجاری و با شور و شوق  
نهشتن در هر دره بسرا، تجدید

حیات خود بر طبیعت حسوده  
زمستان فاتق آمده است، و قدم به  
شعره جهان گذارده است و خود  
بسیار سلیسک پیروزی مسوز  
زندگی نهی بر حساسات و  
پوسیدگی هر چیز گشته است و  
شانه ای و افتلای زندگی،  
سال که می باید آنرا به  
سال پیروزی هر چه بیشتر  
کسرسردان و همسوم  
نوده های زندگیش سر حکومت  
ارتقا می بخشیم جمهوری اسلامی  
و نظم حاسی او بدل ساخت.  
سال که می باید در عرصه  
درونی جنبش انقلابی خلق کرد  
عطیه هر گونه تشتت مبارزه  
خلق کرد را به پیش برد و  
آگاهی و عزیمت انقلابی را جایگزین  
عسر تونده ماسادات مفاصل مانده  
و پوسیدگی نمود. و بر اهداف  
انقلابی دمکراتیک مبارزه کوهی  
هر چه بیشتر پای فشرود.



## طی عملیات پیشمرگان فدائی

ضربات مهلکی به مزدوران رژیم مستقیم در پایگاه به رده بونک وارد آمدند

روز ۱۹ اسفند پیشمرگان  
فدائی با طرحی دقیق و از  
پیش تعیین شده در ساعت  
۶/۵ بعد از ظهر، پایگاه  
"به رده بونک" واقع در پسمالای  
روستای "به رده بونک" را طی  
دو مرحله از سه نقطه سلط  
صورت تهاجم بی امان خود  
قرار دادند. مرحله اول عطیات  
کباشینک صلاحهای نیمه سنگین و آثار  
صلبهای سنگ شروع شد، سنگینی  
اینگار عمل را از مزدوران سلب  
نمود، صرب با آتش مستقیم دیگر  
از پیشمرگان ضرات بیفتند به  
پایانه وارد آمد. مرحله دوم بسا  
شلیک صلاحهای نیمه سنگین  
آفسار شد و طی آن مزدوران  
که تاب مقاومت را از دست  
داده بودند حین خزیسدن در  
سواخهایشان از نزدیک هب  
سلاح پیشمرگان قرار گرفتند.  
در این عطیات ضرات مهلکی به  
مزدوران وارد شد. مدتی پس  
از شروع عطیات، صلاحهای سنگین  
پایگاه آر. بی. جی، کالپیر، و

دو تکیه سنگین، پیشمرگان را  
زیر آتش گرفتند. با این وجود  
پیشمرگان قهرمان فدائی نسا  
تاریکی حیا به عطیات خود  
ادامه دادند و ضرات باز هم  
بیشتری به مزدوران درین پایگاه  
وارد آوردند و سرانجام  
پیروز شدند. همگی سالم  
به محل قرار خود بازگشتند.  
مزدوران رژیم که از عطیات  
پیشمرگان فدائی ضرات زیادی  
را تحمل شده بودند، بسرای  
انتقام گیری فردای آنروز یعنی  
۲۰ اسفند ماه ساعت ۵/۱۱ صبح  
با گسیل گروه ضرات پایگاه  
نزدیک روستاهای "به رده لان" و  
"شول" قرار دادند با محاصره  
روستاهای مزدور پیشمرگان را  
حافلگیر نمایند. پیشمرگان  
فدائی بمحض اطلاع از چنین  
توطئه ای آنرا خنثی و در  
ارتفاعات اطراف روستای "به رده لان"  
مستقر شدند. درگیری بیسن  
پیشمرگان و مزدوران رژیم از  
دو نقطه شروع شد. پیشمرگان

در نسر آری جی و خیاره  
مزدوران از مواضع خود دفاع  
نمودند و طی حمله تلافی  
مزدوران به روستای هر کسند  
آمدن پیشمرگان از آنان سلب  
نمودند. در این حین  
مزدوران پایگاه "به رده لان" در  
نزدیکی منطقه درگیری به محل  
انتظار، عطیات خود شناختند  
و روستای "به رده لان" و نقاط  
انتظار پیشمرگان را محاصره  
پاران نمودند. هیچگونه  
آسیبی به پیشمرگان و آسانی  
بیدفاع وارد نیامد.

سرانجام پس از یک ساعت  
درگیری شدید مزدوران رژیم  
تأخیر به عقب تنبیس شده و  
به پایگاههای خود بازگشتند. در  
این درگیری چندین نفر از  
مزدوران بهلاکت رسیدند که  
بر اثر خیاره باران شدید و برف زیاد  
پیشمرگان نتوانستند تعداد و  
هویت دقیق آنها را مشخص نمایند.

پیشروزی بسا  
جنبش انقلابی دمکراتیک خلق کرد  
سرتکن بسا  
رژیم جمهوری اسلامی  
سرقرار بسا  
جمهوری دمکراتیک خلق کرد  
مزدوران چریکهای فدائی خلق ایران  
شاخه کردستان  
۲۰ اسفند ۶۳۰

### اخباری از ۰۰ از صفحه ۱۷

حصار مزدوران رژیم در پی این مزدوران بعد از پرخاشگری و اذیت و آزار مردم بی دفاع، آنها را در سجد ده جمع نموده و از آنها میخواهند تا بنسرای رژیم اسلحه بردارند. اهالی از همان ابتدا مخالفت خود را با این خواست مزدوران اعلام می دارند که در نتیجه مزدوران برای تسلیم اهالی با ایجاد جو رعب و وحشت آنها را در سجد ده زندانی می کنند. زنان روستا جمع نموده و نسبت به این اقدام مترجمین دست به اعتراض می زنند. که با بی حرضی در عطسه مزدوران روبرو می گردند. زنان زحمتکش شبانه با سنگ و چوب آنها را مورد حمله قرار می دهند و صوفی می شوند با شکستن در و پنجره سجد اهالی را نجات دهند.

مزدوران بعد از این اقدام در هنگام بازگشت با اعتراض روستاییان زحمتکش روبرو شده و در زود خوردی که بین آنان و مردم به وجود می آید شیشه ماشینهای آنها با سنگ و چوب شکسته می شود.

مردم قد داشتند برای اعتراض به شهر سلطس میروند که با طاعت مزدوران روبرو می گردند. \* \* \*

### یانه

در ادامه اجرای طرح سرمایه گیری اجباری رژیم، حربه دیگری برای تضییع امین سیاست ارتجاعی خود به کار گرفته است. رژیم به اهالی منطقه یانه اعلام داشته که جوانان شما می توانند در روستا باقی بمانند و در داخل روستا ها به عنوان انجام وظیفه سرایزی اسلحه رژیم را بردارند. هدف رژیم از این کار استفاده هر چه بیشتر از جوانان و پیکارگری آنان در خدمت اهداف سرکوشرانه اش در کردستان می باشد. \* \* \*

### مردمان

مزدوران رژیم جمهوری اسلامی زحمتکشان روستای تینال را جمع کرده و از آنها خواستند به نفع رژیم اسلحه بردارند و سرساز برای اعزام به جبهه ها بدهند. ولی مردم زحمتکش این روستا با پاسخ ضعیف به این خواست ارتجاعی دست رد به سینه آنها زدند و مزدوران رژیم در مقابل مقاومت نموده ها عاجز

### نقد

مزدوران رژیم برای انجام مقاصد خود در این منطقه به انحاء گوناگون به آزار و اذیت مردم زحمتکش پرداخته اند. این جنایتکاران تنها در زمینه اعمال سیاست ارتجاعی سرمایه گیری اجباری اخیراً پیش از ... نفر از اهالی زحمتکش روستاهای اطراف نقدیه را به پادگانها فرستاده اند تا آنان را به قلکاهای جنگ ارتجاعی اعزام دارند. اقدامات ارتجاعی مزدوران هنوز هم علیرغم هارزه و مقاومت نموده های زحمتکش منطقه ادامه دارد.

\* \* \*

مانده و نتوانستند سیاست خود را اعمال نمایند.

لازم به یاد آوری است که این دوین بار است که مزدوران رژیم تلاش می کنند که اهالی این روستا را وادار به تسلیم اجباری نمایند. ولی در مقابل تسلیم زحمتکشان این روستا مجبور به عقب نشینی می شوند.

\* \* \*

## مذاکره

از صفحه ۲

از طریق گلوله و کشت و کشتار هرگز امکانپذیر نیست، آنچه که مهم است و اهمیت دارد همین است که آیا علییرغم تحلیل های متفاوت و ترک های مختلف از مسائل و پیکار، نقاط اشتراک مهمی نیست برای یک زندگی سالمت آمیز بین این دو نیروی مهم جنبش انقلابی خلق کرد وجود دارد یا نه؟

ما بطور قطع اعلام می داریم هر نیرویی که بخواهد بر این واقعیت با هر هدف و چشم اندازی پسرده سائر بیفکند، سخت در اشتباه است. حزب دمکرات و کومه له با هر میزان اختلافاتی که داشته باشند، اگر اندکی به منافع جنبش انقلابی

خلق کرد و دستاوردهای انقلابی - دمکراتیک آن فکر نکنند، چنین آگاهی وجود دارد و یک ضرورت عملی نیز هست. درستی یا نادرستی این یا آن سیاست را مسلماً نه حسن نیت این یا آن نیرو، بلکه منافع جنبش تأیید می کند. سیاستی که بر ادامه این درگیری ها که حیاتی ترین منافع جنبش کنونی را امواج خود قیام داده اند پای می فشارده مسلماً نمی تواند بعنوان یک سیاست درست و مسئولانه ارزیابی گردد.

از همین رو نیز اعلام شرط و شروط از سوی حزب دمکرات برای مذاکره با کومه له هیچ قسری اساسی با اتخاذ سیاست سکوت آن در برابر دعوت به مذاکره ندارد و ط به نوبه خود یک بار دیگر از حزب دمکرات می خواهیم با قطع فوری این درگیری ها و اعلام آتش بس، آمادگی بدون قید و شرط خود را برای مذاکره

جهت دست یافتن به یک راه حل اصولی و دمکراتیک برای اختلافات بین خود و کومه له اعلام دارد. و از هرگونه تصور باطلی در زمینه این درگیری ها جدا میسر میزد و به ضرورت عملی و عاجل کنونی جنبش پاسخ روشن و ششمر بدهد. و تنها از این طریق است که می توان از گسترش و ادامه درگیری های خونین حزب دمکرات و کومه له اجتناب ورزید.

کمیته سیاسی سازمان فدائیان خلق ایران  
دفتر مرکزی تهران  
پاسخ به کتاب باران مطهر

کمک مالی رسیده:

عمادقلی ۳۳۴  
۱۰۰۰۰ تومان

# ★ گرامی یادشدهای اسفندماه

★ اسفند ۴۹: شهادت فدائیان خلق محمد رحیم طائی و مهدی اصغاری و فریدون نجف زاده

★ اسفند ۵۸: فدائی شهید سعید عرقی در کرمانشاه توسط صرتجمین روده شد و پسر از شکنجه های فراوان به شهادت رسید.

★ اسفند ۵۸: شهادت فدائیان خلق داوود امیراحمدی که در شهر تبریز مورد اصابت گلوله پاسداران قرار گرفت و به شهادت رسید.

★ اسفند ۵۵: شهادت فدائیان خلق صبا بیژن زاده و بهنام امیری در وان

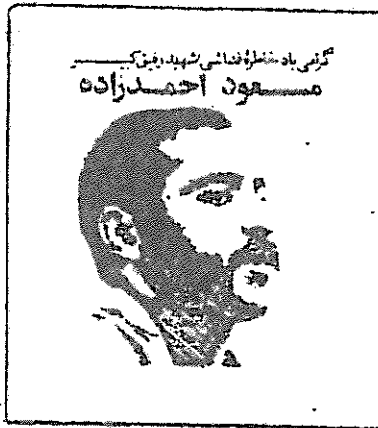
★ ۱۱۱۰ اسفند ۵۰: در سحرگاه روز دهم و یازدهم سال ۱۰ پیگر جوی فدائیان خلق رفقا: صفور و سعید احمد زاده و عباس و امدالله طناهی، محمد توکلی، سعید آریان، قلامرضا کسروی، بهمن آرنک، مهدی سولانیسی و عبدالکریم حاجیان توسط مزدوران رژیم شاه به جوفه های اعدام سپرده شدند.

از صفحه ۶

## فدائیان شهید رفیق محمد رضوی

بکسر پرداخت و خود نیز با وجود ضعیف مالی، نیمی از دسترنجش را که از راه کارگری بدست می آورد به پیشمرگان تخصیص می داد. بر بستر تلاش آگاهانه رفیق با شناخت از نیروهای سیاسی با برنامه و مواضع سازمان آشنا شد و در زمستان ۶۲ به صفوف پیشمرگان سازمان پیوست و از آن پس نیز مدام در ارتقاء آگاهی و توانا میبایش کوشید و در مدت کوتاهی قابلیت های تحمیل برانگیزی از خود نشان داد.

رفیق بعد از پایان رسانیدن موفقیت آمیز دوره آموزشی در صفوف پیشمرگان فدائیان سازماندهی



گرامی یادشدهای شهید رفیق کسروی  
محمود احمدزاده

★ اسفند ۵۲: شهادت فدائیان خلق مجتبی خرم آساری

★ اسفند ۶۱: در ایمن روز فدائیان خلق ناصر نجم الدینی با خوردن سیانور در زندان مستندج به شهادت رسید.

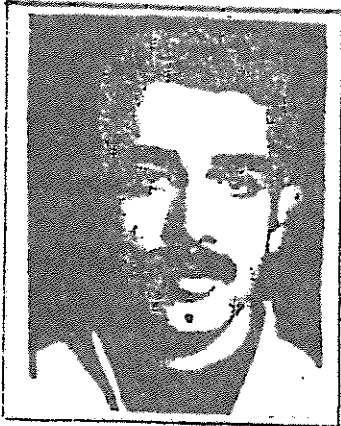
★ اسفند ۵۵: شهادت فدائیان خلق عبدالرضا کلاتسری نیتناکسی

شد و با شرکت در چندین عطیات نظامی سازمان مسئولانه وظایفش را به انجام رسانید و سرانجام چون همه رزندگان فدائیان خلق، با وفاداری به آرمان کارگران و زحمتکشان و اعتقاد صریح به آرمان ولای سازمان که همانا رسیده همه رهائی، دمکراسی و مساوات است، در درگیری بهمن ماه ۶۲ دسته ای از پیشمرگان فدائیان با نیروهای سرکوبگر رژیم در خطه سقز تا آخرین گلوله به قلب مزدوران شلیک نمود و خود نیز آماج گلوله قرار گرفت و قهرمانانه جان باخت و تمام او نیز چون هزاران جانیباخته دیگر راه رهائی کارگران و زحمتکشان بر پرچم خونین سازمان حاکم گردید.

یادش گرامی باد!

★ اسفند ۵۰: شهادت فدائیان خلق مفاد طئی، علیرضا نایب له رحیمی امین نیا، جعفر اردبیلچی، محمد تقی زاده، اضر مرزوب هریمی، اکبر مهدی، طیب نسبی آرش و حسن سرکساری

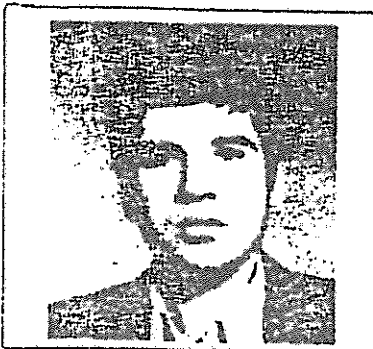
★ اسفند ۶۰: طیب سرکساری در پی رفقایی هادی، نظام کاظم، عباس (بمقرب شکراللهی)، امیر، حسین خشایار و جوان به شهادت رسیدند



رفیق نظام

★ اسفند ۴۹: شهادت رفقا: اسکندر رحیمی، هادی بنده خدا، لنگرودی، عباس دانش بهزادی، هادی قاضی، محمد علی حداد تند چس، احمد فرهودی، هوشنگ نوسری، شعاع الدین شهیدی، ناصر صیفا دلیل صفائی، اسطغرل ممینسی عراقی، حلیل انفرادی، علی اکبر صفائی فراهانی، فتور حسن پوراصل

★ اسفند ۶۰: شهادت پیشمرگان رزمنده فدائیان رفقا: تیمور ستاری، منصور سعیدی اقبال ظاهر خو، بهالدین شهاد آریه خسرو قره ناغی، سورس خرد بهمن



رفیق کاظم

ببین ملاحظیات

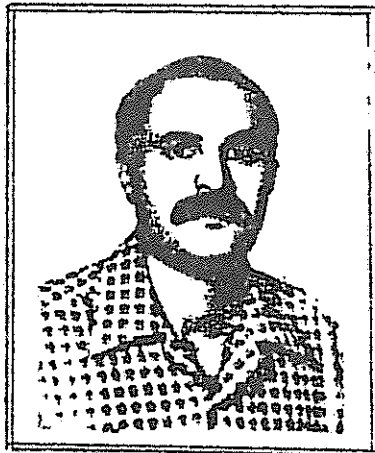
تعمیق انقلاب  
و  
تحقیق توده‌ها

اخیراً حزب دمکرات کردستان ایران مقاله‌ای را تحت عنوان "تعمیق انقلاب در کردستان شماره ۱۰۲ منتشر ساخته است که مطالبه این نوشته برای هر خواننده‌ای بسوزد از آن رو آموخته است که علاوه بر آنکه شمای کاملی از استدلال و بحث و برخورد سیاسی به شیوه حزب دمکرات را به نمایش می‌گذارد، ضمن واقعی نقطه نظرات حزب دمکرات در مورد چپ‌ایران بطور کلی و سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بطور اخص را نیز آشکار می‌سازد.

حزب دمکرات که همیشه و در همه حال از برخورد صریح و مستقیم و مستدل در تمامی زمینه‌ها گریزان است، در سرلوحه این نوشته نیز برای به اصطلاح رفع شبهه (شاید از خودش) اعلام می‌نماید که نوشته زیر از سوی یک کادر قدیمی و با تجربه حزب برای کردستان فرستاده شده است. البته از حق نباید گذشت که حزب دمکرات فقط در لحن آن در صفحه ۱۵

گرامسی یاد

خاطره شکوهمند شهیدای اسفند ماه ۱۳۶۰



فدائی کبیر رفیق  
احمدغلامیان لنگرودی (هادی)  
در صفحه ۱۴

رفقا،  
هادی، نظام، کاظم  
از اعضای کادر مرکزی سازمان

با فرا رسیدن ۲۵ اسفند سومین سال از شهادت سه تن از اعضای کمیته مرکزی سازمان، رفقا هادی، نظام و کاظم و تعدادی دیگر از کادرهای سازمان که همگی در جریان ضربات سال ۶۰ طی چند درگیری ضواری و روبرویی با مزدوران رژیم جمهوری اسلامی قهرمانانه جنگیدند و جان باختند، سپری شد.

۱۱ اسفند  
سالروز شهادت فدائی خلق  
رفیق کبیر  
مسعود احمدزاده  
و همزمانتر گرامسی یاد

۲۳ اسفند  
یکصد و دوصن سالگرد درگذشت  
کارل مارکس  
آزادگار بزرگ پرولتاریای جهانی را  
با استواری بر آموزه‌های او گرامسی  
میداریم

اخبار

عملیات پیشمرگان فدائی  
در منطقه بانه

در آوردند. پیشمرگان فدائی با استقرار خود در مکانهای از پیش تعیین شده به کمین مزدوران تسمند. مزدوران رژیم بعد از اطلاع از حضور پیشمرگان در مسیر جاده جرات بیرون آمدن از پایگاههای خود را نداشتند. پیشمرگان پس از ۳ ساعت کنترل جاده با پخش اعلامیه و تراکت همگسی به محلهای خود بازگشتند.

\* کنترل جاده

روز ۷ اسفند ماه ۱۳۶۰، دسته‌ای از پیشمرگان فدائی در ساعت ۳ بعد از ظهر جاده بانه - سردشت را به طول ۲ کیلو متر بین پایگاههای درامین و همسورازه به کنترل خود

صدای فدائی

صوچ کوتاه و دینهای

۶۵ ۷۵ متر

ملاحظات ۸/۵ بعد از ظهر ۱۲/۵

روز بعد

در صفحه ۱۸